

امپریالیستهای امریکایی اعتراف می کنند که قصد سرنگونی جمهوری اسلامی ایران را دارند

امام خمینی: چرا؟

بیادایک وقت درجانی برخلاف مقررات و نظم عمل نکنند. این یک امری است برای همه کشورهای است. برای همه نهادهای کشورما هست. باید انتظام، نظم را و مقررات جمهوری اسلامی و مقررات حکومت اسلامی را مویب و دریافت کنند و مویب عمل کنند و برخلاف مقررات عمل نکنند.

امام خمینی: چرا؟

خارجیها میخواهند که ما این طور باشیم، که هیچ نظمی نداشته باشیم و مثل جنکن باهم رفتار کنیم، تا اینکه بیانه بیست آوردند.

بنی صدر رئیس جمهوری:

آرام آرام باید روی این خط برویم که قانون باید حکومت بکند، نه گروه و دسته. این راه حل کشور است.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی:

اگر در چارچوب قانون اساسی، گروهها حاضر باشند، فعالیت ساله سیاسی میکنند و قانون را مراعات کنند، مجلس از فعالیت آنها حمایت خواهد کرد و باید اجازه بدهیم که قانونی بیاورند و فعالیت کنند.

آیت الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور:

... اشخاص متفرقه بدون داشتن دستوری از طرف مقامات مسئول به اماکن و دفاتر گروهها و بعضی از روزنامهها، حتی بعضی از ادارات دولتی رفته و آنها را اشغال کرده اند. به تصور اینکه عمل آنها یک اقدام انقلابی است. باتوجه به اینکه در نظام اسلامی و حکومت قانون، هر عملی که انجام می شود، باید از طریق مقامات مسئول و طبق قوانین حاکم بر اجتماع صورت گیرد، اقدام به این قبیل اعمال علاوه بر اینکه خلاف مقررات جاری و محلی است و تضییع امنیت قضایی و تضعیف ارکانهای مسلط است مخالف نص صریح قانون اساسی و مصالح عالی کشور و دستور قرآن کریم است. و این قبیل اعمال مطمئناً بیانه خوب و زمینه مساعدی است که ضد انقلاب زیر پوشش آن نیا و افکار و نقشه های شوم خود را عملی سازد. بدیهی است در کشوریکه قدمه قضائیه و قوه اجرائیه و مجلس شورای اسلامی آن مورد قبول و حمایت امام و امت قرار دارد. اینگونه اعمال جز هرج و مرج نمره دیگری نخواهد داشت. علیهذا لازم است کلیه افراد مسلمان و متممید، که به خیال وظیفه انقلابی و اسلامی دست به چنین اعمال می زنند، به شدت از آن احتراز نمایند و اگر افرادی به این کارها ادامه دهند، تحت تعقیب قانون قرار خواهند گرفت. در خانه متذکر می گردد اماکنی که تاکنون به طرق یادشده تصرف شده است، باید در اسرع وقت تخلیه شده و در اختیار دادستان کل کشور و یا داستانی انقلاب اسلامی و یا کمیته مرکزی قرار گیرد تا نسبت به آنها برابری مقررات تصمیم مقتضی اتخاذ گردد.

آیت الله لاهوتی، نماینده مجلس شورای اسلامی:

عمده ترین مسئله ای که فکر مرا مشغول کرده، حاکمیت بدون قانون در جامعه است و این مشکل را آقای هنی صدر مکرر و همه دلسوختگان به رهبری امام، بحالیکه الهام از امام میگیرند، گوشزد میکنند و آنهاست که مسئولیت مستقیم دارند، این مسئله را بیشتر لمس میکنند.

مرتضی اعظمی لرستانی، نماینده مجلس شورای اسلامی:

... جوی پیش آمده که هیچکس تا این حد ندارد و معلوم نیست قدرت در دست کیست. هرکس بمیل و خواست خودش به دیگران تجاوز میکند، در صورتیکه ما قانون مقیم اسلام داریم، قانونی که نمایندگان ملت در خبرگان تصویب کرده اند و ملت تأیید نموده است و تصویب امام خمینی رسیده است... چاق کشیدن، حمله کردن، خانه مردم را تصرف کردن و مردم را از کار بدر کردن بدون دلیل به نفع چه کسی است.

پس از سخنان امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، رئیس جمهوری، رئیس مجلس شورای اسلامی، دادستان کل کشور، امام جمعه تهران و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در لنگرود، قومن، گرمسار، ورامین، هشتپر، طالق، کرمان، اسلام آباد غرب، قروه و شیراز، از جانب «اشخاص متفرقه» به دفتر حزب توده ایران و نامه مردم و محل فروش نشریات حزب حمله شده است.

چرا؟

پس از سخنان امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، رئیس جمهوری، رئیس مجلس شورای اسلامی، دادستان کل کشور، امام جمعه تهران و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در لنگرود، قومن، گرمسار، ورامین، هشتپر، طالق، کرمان، اسلام آباد غرب، قروه و شیراز، از جانب «اشخاص متفرقه» به دفتر حزب توده ایران و نامه مردم و محل فروش نشریات حزب حمله شده است.

باید تمام قوا را برای درهم شکستن توطئه عظیم امپریالیسم امریکایی و استگانش بسیج و مجهز کرد

روزنامه واشنگتن پست، نقل از یک مقام آمریکائی نزدیک به کارتر گفته است که: «کارتر قصد دارد رژیم خمینی را تا انجام انتخابات ریاست جمهوری در نوامبر سال جاری مسیحی سرنگون سازد و یک رژیم مورد تعالی آمریکا را بر سر کار آورد.» این اعتراف صریح امپریالیستهای تپیه در صفحه ۸

از اجتماعات کارگران در روزهای اخیر باید درسهای جدی گرفت

نفت از انعقاد پیمانهای دسته جمعی، همه صنعت نفت را به تعطیل بکشاند، به ابتکار سندیکاها و شوراهای واقعی کارگران در این صنعت مهم حتی شد. نمایندگان کارگران صنعت نفت، که بدعوت خود مسئولین وزارت نفت برای انعقاد پیمان دسته جمعی به تهران احضار شده بودند، با این که پس از یکماه سرگردانی، با خلفی و عدم مسئولین مواجه شدند و در اعتراض جدی بعمل وزارت نفت محقق بودند، مذاکله از دست زدن به اقدامات حاد اعتراضی و اعتصابی خودداری کردند.

نمایندگان کارگران در سندیکاها و شوراهای همنهت، ضمن آگاهی دادن به افکار عمومی در مورد رفتار تحریک آمیزی که با آنان شده بود، کارگران صنایع نفت در سراسر کشور را به خونسردی و خودداری از هر نوع واکنش حاد و اعتراضی و اعتصابی بر حذر داشتند. نمایندگان کارگران بدرستی کارگران را به ادامه تلاش و کوشش شبانه روزی

اجتماع کارگران صنعت چاپ، عصر روز یکشنبه ۲ شهریور، در خانه کارگر، که می توانست بحران جدی در روابط کارگران و دولت بوجود آورد، خوشبختانه بر اثر هوشیاری کارگران و آشنایی آنها به وظایف انقلابی خود با آرامش پایان پذیرفت.

این امر که کارگران صنعت چاپ و سندیکای کارگران چاپخانه های تهران و حومه از خود هوشیاری انقلابی نشان دادند و توطئه ضد انقلاب را در روز در رو قرار دادن کارگران با دولت جمهوری اسلامی خنثی ساختند، جای بسی مسرت است. این پیروزی راه که نظایر فراوان دارد و هر روز در گوشه و کنار کشور تکرار می شود و نشانه آگاهی و هوشیاری طبقاتی کارگران است، باید به طبقه کارگر ایران تبریک گفت.

هین هفته پیش توطئه ای جدی، که می خواست بر سر امتناع وزارت

قطب زاده علیه خط امام قیام کرده است

مجله «تایم» در شماره اخیر خود، قسمتهائی از مصاحبه ای را با قطب زاده وزیر امور خارجه منتشر کرده است. طی این مصاحبه، که هفته پیش «برای مجله تایم» و «بایک روزنامه متکار مقيم تهران» صورت گرفته است، روزنامه نگار می پرسد: آیا شما خود داوطلب شدید که این نامه را برای آزادی گروه گوناگون بنویسید؟ قطب زاده در پاسخ میگوید که گویا هیچکس از جمله رئیس جمهور، جرات نمیکرد «بخرا بشکند» و این نامه را بنویسد... «بنا بر این من تصمیم گرفتم که وظیفه حل مشکل مسئله گروگانها را بپذیرم.» و سپس درباره امکان محاکمه

گروگانها میفرماید: «چنین محاکماتی از هر نقطه نظری که به آن نگاه کنید علیه مصالح ما (؟) است.» و در پاسخ آخرین پرسش که: «بنظر شما شانس موفقیت دولت جدید (دولت آقای رجائی) تا چه اندازه است» میگوید: «اگر مسئله گروگانها حل شود، شانس مستصری برای موفقیت دارد و گرنه بیخ جا نخواهد رسید.» در این مصاحبه با قطب زاده اتهامات ناروا و بی اساس خود را نسبت به اتحاد شوروی و حزب توده ایران تکرار کرده است. امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، در

آیت الله دکتر بهشتی:

فعالیت گروههای سیاسی در چارچوب قانون اساسی از آثار شرائط عادی زندگی اجتماعی است

در صفحه ۸

برای مبارزه با امپریالیسم امریکایی دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۱۹

پنجشنبه ۶ شهریور ۱۳۵۹، بهار ۱۵، ریال

از اجتماعات کارگران در روزهای اخیر باید درسهای جدی گرفت

آزادی آری، توطئه هرگز!

حجت الاسلام محمد تقی طباطبائی، حاکم شرع دادگاههای انقلاب خوزستان، در مصاحبه با خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی، در مقابل سؤال خبرنگار که، نحوه عمل دادگاههای انقلاب خوزستان در برابر گروههای منحرف چیست، چنین پاسخ میدهد:

«در مقابل رفتار خصمانه گروه های سیاسی در منطقه شدیداً عمل میکنیم و اگر از مقررات عدلی گند مورد مواخذه قرار میگرفت و اصولاً گروه و غیر گروه مطرح نیست، بلکه اجحاف به مردم و تعرض به امنیت و سلب آزادی مردم از جانب هرکس باشد شدت محکوم است. آزادی آری، توطئه هرگز!»

آنچه در نظر حاکم شرع دادگاههای انقلاب خوزستان جرم شمار میرود، عبارتست از:

«رفتار خصمانه گروههای سیاسی، ضدی از مقررات، تعرض به امنیت و سلب آزادی مردم.»

برای حاکم شرع، که کبیر مسند والای قضائیه است، «اصولاً گروه و غیر گروه مطرح نیست» او از قانون نامردن تمام انقلابات جهان پیروی می کند که، هیچکس نباید بتواند از آزادی برای توطئه سوء استفاده کند.

هر انقلابی، هر جنبشی که مرز آزادی و توطئه را بدرستی تشخیص ندهد، آزادی را بعنوان جلوگیری از توطئه از مردم بگیرد و یا دست توطئه گران را بنام آزادی باز بگذارد، بر شکست شکست روبرو خواهد شد. یکی از بزرگترین علل شکست جنبش ملی شدن نفت همین تشخیص مرز بین آزادی و توطئه بود. حکومت مسدود در عین حال که امکان فعالیت علنی به حزب توده ایران، متشکل ترین و بزرگترین نیروی انقلابی آن زمان، نمیداد، دست توطئه گران را بطور عمدانه باز گذاشته بود، یعنی در عمل سنگ انقلاب را بسته تپیه در صفحه ۸

بدن انقلاب شکوهمند ایران، رادیو تلویزیون نیز همانند سایر ارگانها از دست رژیم دست‌نشانده شاه سابق خارج شد و در اختیار نیروهای انقلاب قرار گرفت. رادیو تلویزیون، که یکی از مهم‌ترین ارگان‌های تبلیغاتی، خبری و آموزشی در تمام دنیا محسوب می‌شود، در زمان رژیم مغرور سابق وظیفه داشت تا با پرده‌پوشی جنایات، خیانت‌ها و وابستگی‌های آن رژیم، با مشروع جلوه‌دادن وابستگی‌های عظیم و دهشتناک اقتصادی، سیاسی و نظامی ایران به امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و سرانجام با تزریق فرهنگ استعماری و تنگن امپریالیستی برجسته، ستم‌کننده و زجردهنده، ما، چهره کریه و ضدانسانی رژیم اعدام و شکنجه را تزئین کند و امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امریکای جهانخوار، را دوستان "دلوز و فداکار" مردم ما جلوه دهد. این دستگاه عظیم تبلیغاتی، یکی از نقاط اتکا رژیم شاه سابق برای ادامه سلطه، جهنمی و غیر-انسانیتش بر توده‌های میلیونی مردم ایران بود. این مطلب وقتی بهتر درک می‌شود که بدانیم ۷۰٪ از جمعیت کشور را بیسوادند و تنها از طریق رادیو و تلویزیون در جریان امور کشور قرار می‌گیرند، و اگر این ارگان در خدمت امپریالیسم باشد و دنیا را از چشم آنان به نمایش گذارد، طبیعی است که اثر تخریبی عظیمی بر اذهان توده‌های خلق باقی خواهد گذاشت.

انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران راه را برای قطع وابستگی‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی به امپریالیسم گشود. این انقلاب بر نیروهای مردمی فرصت این را داد که از این ارگان مهم تبلیغاتی در جهت عمده کردن پیوندهای وابستگی استفاده کنند.

از همان ابتدا صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران وظیفه بس مهم و اساسی در برابر خود داشت. این ارگان می‌بایست به طور سریع و قاطع به سود تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب، در جهت افشای عمق جنایت و زوال رژیم مغرور گذشته و تجهیز مردم علیه هرگونه گرایش برای بازگرداندن شرایط پیشین جهت‌گیری می‌کرد. باید به طور قاطع عمق وابستگی‌های رژیم گذشته به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، را برای مردم انقلابی و رزمندما بازگو می‌کرد، جنایات عظیم و ضد بشری دستگاه حقیان و ظلم رژیم، یعنی ساواک را با تمام ابعادش در جلوی چشمان جستجوگر و کنجکاو انقلابیون دلیر ایرانی قرار می‌داد و خلق را به هوشیاری و نبرد با بقایای دوران سیاه گذشته فرا می‌خواند. باید با ستم‌گیری قاطع بسود زحمتکشان، کارگران و دهقانان نیازهای مبرم و جدی آنان را مطرح می‌ساخت و مسئولین مملکتی را برای رفع آنها و در نتیجه برخورداری از حمایت این گردانهای رزمنده انقلابی فرا می‌خواند. و سرانجام صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران می‌بایست خود را برکنار از درگیری‌ها و کشمکش‌های گروهی و حزبی نگاه می‌داشت و بیطرفی را به طور کامل مراعات می‌کرد. بیطرفی که معنایش نه میدان دادن به اندیشه‌های سازشکارانه لیبرالیستی، نه به معنای ترویج افکار منحن و انحرافی گروهکهای ریز و درشت آمریکایی و نه به معنای مداخلات با ضد انقلابیون "چپ" و راست در سطح مملکت، بلکه به معنای میدان دادن به تمام نیروهای ضد امپریالیست و ترقیخواه، بدون هیچگونه تمایزی، برای تبلیغ و روشنگری هر چه گسترده‌تر علیه امپریالیسم و دشمنان انقلاب ایران، که در راس آنها شیطان بزرگ، امریکای جهانخوار قرار دارد، بوده و هست.

متأسفانه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران تاکنون به این وظایف خود به طور کامل و همه‌جانبه عمل نکرده است. مادر این مورد تا به حال طی مقالاتی نظرات و پیشنهادهای خود را بطور مشروح بیان کرده‌ایم (نامه "مردم" شماره‌های ۲۲۷ و ۲۲۹) لیکن اکنون، با توجه به انتقادات بسیاری که از سوی تمامی ارگانها و شخصیت‌های انقلابی به این ارگان خبری، تبلیغی و آموزشی می‌شود، لازم می‌دانیم که در مورد بعضی از نکاتی که ذکر کرده ایم، توضیحات بیشتری بدهیم.

همانطور که اشاره کردیم، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران باید با حفظ بیطرفی انقلابی در میان تمامی نیروها، گروهها، و سازمانها و احزاب سیاسی موجود، با تمام نیرو و توان خود (که کم هم نیست) به دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران بپردازد و توده‌ها را هر چه بیشتر به هوشیاری و آمادگی در مقابلها دسیسه‌های شیطان بزرگ امریکا و متحدینش علیه انقلاب ایران، فراخواند. در این میان وظایف این ارگان حساس چنین است:

۱- تعمیق مبارزه ضد امپریالیستی مردم- افشای جنایات امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا در ایران

صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به مثابه آئینه تمام نمای انقلاب ضد امپریالیستی ایران موظف است که با افشای جنایات امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا در میهنمان، باروشن کردن سلطه تمام عیار انحصارات امپریالیستی در طول دوران حکومت رژیم شاه سابق و سرانجام با بررسی همه‌جانبه اشکال غارتگری‌های امپریالیسم در کشورمان، توده‌ها را هر چه بیشتر و وسیعتر با ماهیت این غول تجاوز و غارت آشنا کند.

امپریالیسم آمریکا پس از پیروزی انقلاب ایران، با تمام قوای اهریمنی خود و با استفاده از تمامی دستگاه‌های تبلیغاتی، نظامی و سیاسی به توطئه و تخریب علیه انقلاب ایران پرداخته است. از یکسو ایران را به محاصره اقتصادی درآورده، ناوگان خود را به کرانه‌های خلیج فارس می‌فرستد و مزدوران داخلی و خارجی خود را برای هجوم نظامی به کشورمان بسیج می‌کند و از سویی دستگاه‌های عظیم تبلیغاتی خود را به نبرد با انقلاب خلقی ما می‌فرستد.

روزنامه جمهوری اسلامی در مقاله‌ای به تاریخ یکشنبه ۱۹ مرداد، بیزامون نقش رادیو تلویزیون در مورد استفاده امپریالیسم از دستگاه‌های تبلیغاتی عظیم می‌نویسد:

"... اکنون امپریالیسم و صهیونیسم- ایستگاه‌های رادیو تلویزیونی و حتی شبکه‌های قاره‌ای برای ارسال پیامها و تبلیغات در اختیار دارند. شبکه‌های مختلف رادیو تلویزیونی امپریالیستی سراسر آمریکا، اروپا، و کشورهای وابسته آمریکا در آسیا و آفریقا زیر پوشش خود دارند... تشکیل اتحادیه‌های مختلف خبری از جمله هدفهای امپریالیسم است. اگر بخاطر داشته باشیم، جعفریان معدوم ثورسین رژیم منحوس پهلوی... مسافرت‌هایی به کشورهای خلیج فارس می‌نمود تا قراردادهای دوطرفه درباره مبادله اخبار و اطلاعات منعقد سازد و از آن طریق احساسات و شور انقلابی مردم منطقه را مهار زند..."

غارتگریهای امپریالیسم آمریکا در سطح جهان، با بخش تفسیرهایی از جنایات متعدد و روزافزون دشمن اصلی خلقهای جهان - امریکای جهانخوار و با تبلیغ رهنمود بزرگ امام "تمام سلاحها و قلم‌های خود را به روی شیطان بزرگ - آمریکا نشانه روید"، نیروهای خلق را بسیج کند و به مبارزه با این جهانخوار بزرگ و توطئه‌ها و دسایس روزافزون علیه انقلاب بکشد، دست روی دست می‌گذارد، تا در عوض آنها فرصت یابند و تبلیغات روزافزون خود را علیه انقلاب ما اشاعه دهند؟ چرا باید افشاکاری علیه جنایات آمریکا و توطئه‌های مختلف در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران کمترین بخش را در برنامه‌های صدا و سیما انقلاب اسلامی ایران بخود اختصاص می‌دهد؟

این چراها ماهیاست که بر زبان انقلابیون و هواداران راستین انقلاب ایران جاری است. ولی اکنون، در شرایطی که ابعاد وسیع تحریک و توطئه امپریالیسم جنایتکار آمریکا، بخصوص پس از دو توطئه عظیم طیس و ۱۸ تیر، که می‌توانست با قتل عام بیش از ۱۰ میلیون ایرانی انقلابی همراه شود، روشن تر از همیشه در جلو چشمان مردم قرار دارد. اکنون این "چرا"ها اهمیتشان بیشتر و بیشتر می‌شوند و مسئولین را به جوابگویی می‌خوانند.

۲- افشای توطئه‌های مختلف علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

از همان بدو پیروزی انقلاب، امپریالیسم زخم خورده آمریکا با توسل به تمام روشها، خدعه‌ها و نیرنگها، در صدد نابودی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران برآمد. مزدورانش در سراسر منطقه بسیج شدند تا از انجام جمهوری اسلامی ایران جلوگیری کنند و در فرصت مناسب ضربه کاری خود را بر انقلاب وارد آورند. تشکیل دستجات مسلح خرابکار در ایران و خارج از کشور، سازماندهی دوباره عمال فراری ساواک، تشدید ناراضی بین توده‌های مردم، شایعه پراکنی و ایجاد تفرقه

صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران رسالتهای انقلابی خود را ایفا نمیکند

* خط‌مشی حاکم بر این سازمان خط‌مشی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران نیست.
* باید هر چه سریعتر، نحوه اداره این سازمان نشان‌دهنده خط‌مشی آن تصحیح شود.

و چنددستی در میان نیروهای انقلابی، ایجاد اختلاف بین ایران انقلابی و دوستان صدیقش در جهان، اعزام جاسوسان و خرابکاران به کشور... از جمله اقدامات امپریالیسم جنایتکار امریکایی بودند. اما در مقابل تمامی این اعمال، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران چه گام‌های مثبتی در افشای آنها برداشت؟ چه حجمی از برنامه‌های خبری و تحلیلی این ارگان به افشای عوامل مختلف توطئه و تخریب امپریالیسم اختصاص یافت؟ و اصولاً از برنامه خبری صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران که منابع معتبر خود را همان خبرگزاری‌های امپریالیستی می‌داند، و گزارشهای آنان را عیناً و با رعایت "بیطرفی" نقل می‌کند، چگونه می‌توان انتظار داشت که در این مسیر قاطعانه قدم بردارد؟

تجاوز طیس و نیز کودتای ۱۸ تیرماه بخوبی نشان داد که بی‌توجهی به افشای عوامل وابسته امپریالیسم چگونه می‌تواند قاجم‌ترین باشد ثابت کرد که اگر همچنان به تکرار جلیلیات و دروغ‌های بی‌شمار خبرگزاری‌های امپریالیستی درباره اوضاع افغانستان، ویتنام، کامبوجیا و کشورهای سوسیالیستی مشغول شویم و حلقه‌های توطئه را که دم به دم تنگتر می‌شوند، نبینیم، چگونه خواه ناخواه، آگاهانه یا ناآگاهانه جاده صاف کن همان توطئه گران و مزدوران جانی و خیانتکار خواهیم شد. متأسفانه در طی دوران یکسال و ۶ ماه پس از انقلاب مسئولین این ارگان عظیم کمترین کار برداخته‌اند.

خلاصه کنیم: وظیفه افشای توطئه‌های عوامل امپریالیسم، ساواکی‌های فراری، سرمایه‌داران بزرگ وابسته، فئودالهای بزرگ، عوامل خودفروخته امپریالیسم در ارتش و سایر ارگانهای دولتی... یکی از وظایف اساسی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران است. وظیفه‌ای که بمحکم انقلاب ضد امپریالیستی ما بردوش مسئولین این ارگان گذاشته شده‌است، وظیفه‌ای که عدم انجام تمام و کمالش، جرمی نابخشودنی در پیشگاه مردم

این روزنامه سپس می‌پرسد:
"آیا رادیو تلویزیون و رسانه‌های گروهی ما نقش خویش را در رساندن پیام انقلاب ایران به سراسر جهان به خوبی ایفا کرده‌اند؟"
این سؤالی است درست و بجای. واقعا هم آیا صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، در مقابل استفاده عظیمی که امپریالیسم از دستگاه‌های تبلیغاتی خود علیه انقلاب ایران به عمل می‌آورد، چه گام‌های مثبتی برداشته است؟ تا چه حدود توانسته است نیرنگ‌های بی‌شمار امپریالیسم هزارچهره را برای نابودی انقلاب برای مردم انقلابی ما فاش کند؟ تاجه اندازه ابعاد عظیم غارتگری و تجاوز غولهای انحصاری را فاش کرده است؟ و سرانجام چگونه با موج تبلیغات مسموم و ضد انقلابی بنگاههای تبلیغاتی امپریالیسم مقابله کرده است؟

باید گفت که متأسفانه در هیچیک از این موارد، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نقش شایسته و بایسته خود را ایفا نکرده است. به قول روزنامه جمهوری اسلامی، "مردم در بسیاری از شهرها بجای دیدن سیما رهبر انقلاب، پیامها و رهنمودهای ایشان، تصویر صدام خائن و صدای بلندگوی امپریالیستی، صهیونیستی رژیم بغداد را می‌شنوند... و "رادیوهای دیگری چون بی‌بی‌سی، صدای اسرائیل، رادیو بغداد و چند رادیو آمریکایی بر علیه انقلاب اسلامی شایعه پراکنی می‌کنند و..." و "هجوم تبلیغاتی این شبکه‌های رادیو تلویزیونی همراه با حملات شبکه‌های مطبوعاتی امپریالیستی... دستگاه‌های تبلیغاتی اروپایی چنان محیگی را بوجود آورده است که صدای انقلاب اسلامی ایران در آن گم می‌شود."
در یک کلمه، بر صحنه سیما جمهوری اسلامی ایران، ما کمتر شاهد افشای دسایس و نیرنگ‌های مختلف امپریالیسم هستیم. چرا سیما جمهوری اسلامی ایران، که می‌تواند با نمایش قلم‌هایی از تجاوزات و

و تاریخ ایران خواهد بود.

۳- تبلیغ اتحاد تمام نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی ایران

امام خمینی گفتند: "برملت شریف ایران است که در هر مسلکی و پاهر گروهی هستند، از اختلاف و نفاق و گارتکنی برای یکدیگر دست بردارند و دشمنان را با وحدت گله درهم گویند و نزاع‌های شخصی و گروهی را... که کشور را به خرابی سوق میدهد، کنار بگذارند."
امام خمینی گفتند: " همه فریادهای خود را سر آمریکا بکشید."
و امام خمینی گفتند: " همه اقشار، از هر مسلکی که هستند متحد شوند."

اما پاسخ مسئولین صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به این سخنان روشن امام چه بود؟ بروشنی می‌توانیم بگوئیم که، رادیو تلویزیون کشور ما در دوران پس از انقلاب، نمتنها کوچکترین قدمی در راه اجرای این فرامین روشن امام که ضامن تثبیت و تحکیم گسترش دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران است، برنداشت، بلکه به طرق گوناگون در راه نضج چنین وحدت و یگانگی در بین نیروهای انقلابی میهن ما کار شکنی کرد.

همه به خاطر داریم که در اوج افشای جریان کودتای ضد انقلابی ۱۸ تیر، از صدای جمهوری اسلامی ایران تفسیرهایی منحرف کننده و خصومت آمیزی درباره اکثریت سازمان‌چریک‌های فدایی خلق و حزب توده ایران بطور وسیع و مرتب پخش و تبلیغ می‌شد. و باز به خاطر داریم که در تفسیرها و تحلیل‌های رادیو تلویزیون چگونه مشی سیاسی درست نیروهای انقلابی سرو دم بریده می‌شود و موجودی عجیب، که حتماً ضد انقلابی هم هست، از درون آنها خلق می‌گردد. ما در تحلیلی که بدان اشاره کردیم، در ۴ ماه پیش نوشتیم که:

"بخشی از گردانندگان، مفسران و خبرسازان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران اصولاً با "اتحاد" مخالفند و نمتنها مخالفند، بلکه با تمام قوا می‌گویند تا از آن مانع کنند."
نوشتیم که: " برای بخشی از تیرامسازان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران همه احزاب سازمانها و گروههای مترقی و انقلابی - به جز یک گروه خاص، "خائن"، "وابسته"، "منافق" و "مزدورند" و از اظهار عقیده شرکت در حیات سیاسی و اجتماعی کشور ممنوع محسوب می‌شوند. سخن از "اتحاد" که "گف" و "الحاد" به شمار می‌آید."

از آنروز تا بحال، مشی نفاق افکنانه و ضد "اتحاد نیروهای انقلابی" صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نمتنها تغییر نکرده، بلکه روز بروز بر شدت آن افزوده شده و رنگ و بوی بیشتری نیز یافته است. کینه ضد توده‌های و ضد کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران همچنان نقش تعیین‌کننده را در تهیه و پخش برنامه‌های تحلیلی دارند. آیا این سیاست، در شرایط حساس و خطرناک فعلی، شرایطی که طی آن انقلاب ما زیر ضربات پیاپی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی شیطان بزرگ قرارداد و تنها اتحاد و همبستگی تمامی نیروهای هوادار انقلاب میتواند این توطئه‌ها را با شکست مواجه سازد و انقلاب را از خطر شکست و نابودی رهایی بخشد، سیاستی صحیح و در راستای انقلاب است؟

به روشنی دیده می‌شود که، سیاست فعلی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در این جهت نمتنها صحیح نیست بلکه، زیان بخش و خطرناک است. این سیاست بروشنی ضد خط امام است. خطی که مروج اتحاد و همبستگی است و هرگونه نفاق و چنددستی را در مقابل یورشهای دیوانه‌وار امپریالیسم آمریکا و مزدورانش نفی می‌کند و به حال انقلاب مضر می‌شناسد.
امام تاکنون بطور مکرر از سیاست رادیو و تلویزیون انتقاد کرده و خواهان اصلاح آن شده‌اند. امام بارها به مسئله تصفیه عناصر "طرفدار شاه" و "منحرف" از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده‌اند و آن را شرطی دانستند برای اینکه "ما بار دیگر شاهد رادیو تلویزیون زمان شاه مخلوع نگردیم..."
و برآستی یکی از عللی که باعث شد تا خط مشی درست و منطبق بر انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما بر صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران حاکم نشود، وجود طاغوتیان و وابستگان رژیم سابق در آن بود. به برکت وجود این وابستگان بود که مرتب تحلیلهای "شاهانه" و "تفرقه افکنانه" از این ارگان مهم تبلیغاتی به گوش مردم می‌رفت. به برکت وجود این مزدوران بود که صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران از سیر انقلاب عقب می‌افتاد و در مواردی حتی جلوی رشد آنرا سد می‌کرد. و سرانجام از جمله به برکت وجود

کار طاقت فرسای کارگران مرغداری

مسائل کارگری



در آسیاب این مرغداری تنها يك كارگر افغانی کار می‌کند. او به ما گفت: «کارم اینجا خیلی سخت است. به تنهایی در حدود ۶ تن در روز ذرت آسیاب میکنم. مزدم را هم کمتر میگیرم، یعنی در ازای هر سه تن آرد ۳۵ تومان».

کارگران افغانی حتی از امکانات کمتری نسبت به ایرانیان برخوردارند. مثلا هر ۴ تا ۵ تن آرد در يك اتاق ۴×۴، بدون هیچگونه روزنه‌ای به بیرون زندگی میکنند و از آنجا که کارگر موقت و خارجی هستند، هیچگونه مزایای بیمه، حق خواربار و... به آنان تعلق نمی‌گیرد.

در مرغداری دیگری بنام «گلپور» با تنها کارگر آسیاب که یزیدی ۶۰ ساله بنظر میرسد و یکی از چشمانش را از دست داده بود، صحبت کردیم. او که لباس زنده‌ای به تن داشت و سر و صورتش را گرد ذرت پوشانده بود، گفت:

«احمد زاده آدم نام دارم. روزی ۶۰ تومان باید ۱۰ ساعت کار حقوق می‌گیرم. روزانه حدود ۸ تن ذرت آسیاب میکنم. حتی یکسره هم به من کمک نمیکند. لباس کار هم به ما نمیدهند. بعد از اینهمه مدت کارگری حتی بیمه هم نیست. اصلا معلوم نیست وضع مرغداری به کجا ما اجراء نشده است. ما حتی نمیتوانیم میوه بخوریم. غذای ما را بیشتر ماست و خیار و نان خالی تشکیل میدهد. ما ۵ بچه‌مان را با ما می‌آوریم در اتاق کوچکی که در این محیط کثیف به ما داده‌اند. زندگی کنیم. ما کارگران می‌باید لاقال يك فروشگاه تعاونی برای خرید مایحتاج خود داشته باشیم. ولی هنوز که هنوز است، وضع ما فرقی نکرده است».

در هر سال این مرغداری حدود ۱۴ هزار مسرغ تکمیل می‌شود که دو یا سه نفر در آن کار میکنند. اکثر کارگران اینجا بنگلادشی هستند. تنها حدود ۴ ایرانی در اینجا مشغول به کار هستند. خانه‌های آنها از اتاقکهای کوچکی تشکیل شده، که تمام دیوارهای آنها را دود چراغهای خوراکی‌سازی کرده است. بچه‌های کارگران، در همان محیط کثیف مرغداری مشغول بازی‌اند. تنها يك حمام در آنجا وجود دارد، که آنهم وضع بهتری نسبت به اتاقکها ندارد.

با اینکه برای هر سال ۴ تا ۴ کولر برای خنک کردن هوا کار گذاشته‌اند، لکن خود کارگران از این مزیت بهره‌مند نمی‌شوند.

کارگر دیگری بنام شیرزاد، اهل کرمانشاه، جلو آمد و گفت:

ما حتی مجبوریم جمعه‌ها را نیز کار کنیم. درواقع ما در سال، اصلا تعطیلی نداریم. با اینحال، اضافه‌کار به ما تعلق نمی‌گیرد. اینجا وضع مرغها از کارگران خیلی

کارخانه‌های تولید تخم‌مرغ، در کرج و اطراف آن دیده میشوند. بطور کلی مرغداریها، در دو سیستم تولید میکنند: (۱) دستی، (۲) اتوماتیک (بیش از چند سالی از اتوماتیک شدن آنها نینگرند).

در حدود ۱۰ تا ۱۵ مرغداری (دستی) در کوهک واقع در ۳۰ کیلومتر ۳۰ جاده کرج قرار دارند. در مردآباد کرج (شاهدشت) و آیک (جاده قزوین) و جاده ورامین نیز، بقیه مرغداریهای تهران قرار دارند.

کارگران مرغداری، در مقایسه با سایر کارگران، از دستمزد کمتری برخوردارند و هیچیک از قوانین وزارت کار در مورد آنان اجراء نمیشود. سختی کار و زندگی در محیطی کثیف و غیر بهداشتی بنام مرغداری، باعث گشته که کارگران ایرانی کمتر به این کار تن دهند و یا بطور موقت به کار مرغداری بپردازند.

ترکیب کارگران راه افغانی، بنگلادشی و ایرانی تشکیل میدهند، که اکثریت با کارگران خارجی است و این خود زمینه مساعدی است که کارفرما با استفاده از آن میتواند در ازای کار بیشتر، مزد کمتری پرداخت کند و همچنین با ایجاد تفرقه میان کارگران، امکان هرگونه اعتراضی را از آنان سلب کند.

برای صحبت با کارگران، وارد مرغداری «کرمانی» واقع در کوهک شدیم. در برخورد اول، مکانی آلوده از فضولات مرغها با بوی غیرقابل تحمل، توجه را جلب می‌کند. مگسها همه‌جا، روی کفشات پخش می‌خورند، بطوری که وجود مگسها برای کارگران دیگر غایب شده است.

۱۵ نفر در این مرغداری کار میکنند که ۷ نفر آنان ایرانی و بقیه افغانی هستند تا آنجا که اطلاع پیدا کردیم، همگی ماهانه ۱۷۰۰ تومان مزد میگیرند. ساعت کار آنان بدین شرح است: ۵ صبح کارگران برای ریختن دانه پیدار میشوند از ۸ صبح تا ظهر کار میکنند. از ظهر تا ۳ بعد از ظهر استراحت دارند، بعد از آنهم تا ساعت ۵ بعد از ظهر کار می‌کنند. یعنی بطور کلی ۵ صبح کارشان آغاز میشود و ۵ بعد از ظهر پایان می‌یابد.

کارگر ۱۵ ساله‌ای که اندام نحیف و صورت رنگ پریده‌ای داشت، شروع به صحبت کرد:

«اهل زنجان هستم. در آنجا کار نبود و من مجبور شدم اینجا با ماهی ۱۷۰۰ تومان به کار مشغول شوم. اینجا وضعمان خیلی بد است. هر بار که مریض شوم، باید خودمان پول دوا و دکتر را بدهیم. در هوای کثیف مرغداری بیشتر کارگران، بعد از مدتی دچار سرگیجه و حالت تهوع میشوند. من خودم تا به حال ۴ بار مریض شده‌ام. غذای درست و حسابی هم که نمی‌خوریم. مثلا اکثرا برای ناهار، من نوشابه و نان میخورم. با اینکه تعطیلات را هم اینجا کار میکنند، باز هم درآمد چندانی ندارم. بخصوص اینکه مجبورم برای پدر و مادرم هم پول بفرستم. اینجا حتی پول ناهار هم با خودمان است».

برای انجام امور هر يك از سائنها، که هر کدام تقریبا بین ۱۸ تا ۱۲ هزار مرغ در آن پرورش داده می‌شود، فقط يك كارگر مسئول است. وظیفه‌دانه دادن (۴ بار در روز) تمیز کردن و... نیز بدوش آنان است.

به کارگران مرغداری حتی روپوش کار هم نمی‌دهند!

بتر است! کمی پایین‌تر از این محل، وارد مرغداری بزرگتری شدیم، که شامل دو قسمت بودند: (۱) جوجه‌کشی (۲) مرغداری

حدود ۱۰ تا ۱۴ کارگر افغانی در اینجا کار میکنند. با چند تن از کارگران جوجه‌کشی که صحبت کردیم، می‌گفتند تا به حال به چند جا مراجعه کرده‌اند، تا به شکایاتشان در مورد کارفرما و وضع کار رسیدگی کنند. به وزارت کار رفته‌اند. مسئولین آنجا گفته‌اند که هنوز وضع کارگران کشاورزی مشخص نشده است. به کمیته هم که می‌روند، به حرف کارگران گوش نمیدهند. درواقع کارفرمای این مرغداری، به گفته کارگراه، قانون سرش نمیشود.

عیسی سارانی، نماینده کارگران جوجه‌کشی گفت: «تمام این وزارتخانه‌ها را گشتم، اما به مشکلات کارگران رسیدگی نشد. تا به حال هر کاری کرده باشند برای کارگران نبوده است. بعد از انقلاب، چند نفر برای رسیدگی به وضع ما به اینجا آمدند، که کارفرما جلوی سران ایرانی را اخراج کرده است. در حال حاضر، ۶ نفر ایرانی، اینجا به کار مشغولند. ساعات کار ما ۱۴ ساعت در روز است. بعد از ماه رمضان بر آن هم افزوده گشته است».

یکی دیگر از کارگران، یادداشتی به ما داد که خواستهای آنان به این شرح روی آن نوشته شده بود:

- ۱- حقوق روزانه طبق قانون جدید کار،
- ۲- اضافه‌کاری طبق قانون جدید کار،
- ۳- حق مزایا و حق خواربار،
- ۴- سهمیه کارگران در سود کارخانه،
- ۵- تعیین ساعات کار کارگران،
- ۶- استخدام رسمی کلیه کارگران،
- ۷- حق مسکن،
- ۸- ایجاد وسیله نقلیه (مرویس رقت و آمد) برای کارگران.

این مرغداری نسبت به سایر مرغداریها وضع بهتری داشت. تنها حمام آن، اتاق تروک و پر از دوده‌ای بود که آب آن با آنتی هیزم گرم می‌شد. اتاقکهای کارگران بیشتر به دهنه شیبه بود تا به محل زندگی، و پرستی هم که مرغها از امکانات رفاهی بیشتری برخوردار بودند. در تمام روز بهر خانولنه ۴ تخم مرغ از میان تخم‌مرغهای ناسالم تعلق می‌گیرد. سایر احتیاجات را خود کارگران باید تامین کنند. به علت وجود کارگران خارجی، هیچگونه سد رنگا و یا شورایی جهت رسیدگی به مشکلات کارگران وجود ندارد.

یکی از کارگران گفت:

«به ما گفته‌اند که به کارگران کشاورزی بیمه درمانی تعلق نمی‌گیرد، بلکه باید شما بیمه روستایی باشید و با این وجود هنوز ما بیمه نیستیم. همچنین برای کار در این جوجه‌کشی باید همه کارگران، دستکش داشته باشند. در حالی که برای ۱۰ تا ۱۵ کارگر اینجا، فقط يك جفت

می‌ننداختند و مانع اتحاد ما می‌شدند. اما اکنون ما توانستیم با اتحادمان این شرکت را درست کنیم. راستدگان تا کسی همگی متفقاً لقولند که داشتن شرکت تعاونی برای آنها منافعی در بر ندارد، از جمله:

- ۱- ارزان خریدن وسایل ماشین و کوتاه کردن دست واسطه‌ها
- ۲- با خبر بودن از حال یکدیگر و داشتن اتحاد

تا کسیرانان هیئت مدیره و مدیر عامل

وا عیای علی لمدل را در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۵ انتخاب کردند و کما می را در جهت شکل و وحدت صنف خود بر داند شدند.

را نندگان تا کسی معتقدند که با پیدای شرکتی تعاونی دیگر شهرها تمام سیر - قرار کردوا ز این طریق سازمانی واحد و سر تا سر و برای تا کسیرانان به وجود آورد.

لازم به تذکر است که این شرکت تعاونی از طرف دولت به رسمیت شناخته شده است.

گروانی در روز افزون هر چه در کمی بر دوش ریحتمکشان سنگینی می‌کند
رحمتمکشان را نابدان تصمصمات فوری و فاعط افغانی از بر این بار تحت داد



دوتن از کارگران افغانی در هریک از این اتاقکهای کثیف حدود ۴ تا ۶ افغانی بسر می‌برند. آنها با مزد کمتر کار بیشتر می‌کنند و چون خارجی هستند، بیمه و سایر مزایا به آنان تعلق نمی‌گیرد.

تاکسیرانان نیشابور شرکت تعاونی خود را تشکیل دادند

تاکسیرانان نیشابور، که مدت‌هاست از نداشتن شرکت تعاونی و اتحادیه رنج می‌برند و برای تحقق این امر سال‌ها مبارزه می‌کرده‌اند، اکنون به یکی از این خواسته‌ها، یعنی «شرکت تعاونی» دست یافتند.

تاکسیرانان شهرستان نیشابور که حدود ۱۳۵۹/۴/۸ روز یکشنبه ۱۳۵۹، ضمن راه پیمایی با تاکسیهای خود تظاهراتی از رهبر انقلاب، امام خمینی و شهدای انقلابی در مبارزه با موبیلاسیم آمریکا، شرکت تعاونی خود را افتتاح کردند. شرکت تعاونی که حدود ۱۰۰۰ نفر عضو دارد، با سرمایه ۹۱۰۰۰۰۰ ریال افتتاح شده است.

دست واسطه ها از تولید کنندگان پيله ابريشم دهقانان مينويسند: کوتاه!

رئاست جمهوری اسلامی ایران وزارت کشاورزی جمهوری اسلامی ایران اداره کل کشاورزی استان گیلان فرمانداری شهرستان لنگرود بخشداری لنگرود خرابد معسرکنور

در شرایطی که کشورهای غارتگر امپریالیستی سرکردگی امپریالیسم جهانی آمریکا، همه جانبه گونشی مینمایند، تا با تحریم اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران برهبری امام خمینی را تضعیف کرده و حتی به شکست بکشاند، وظیفه میرم همه مقامات مسئول و نهادهای انقلاب است که مجدانه بکوشند جدا از کاغذ بازی، که امام خمینی هم تاکید داشتند: "ما باز گرفتار کاغذ بازی هستیم... باید در اسرع وقت اصلاح شود..." با ارائه برنامه های اصولی و قاطع نقشه های شیطان بزرگ آمریکا و نوکرانش را با شکست مواجه نمایند.

ما کشاورزان منطقه لنگرود (استان گیلان) در سال جاری به ندای امام خمینی مبنی بر توسعه کشت برنج، جای و افزایش محصول پيله ابريشم (نوغان) پاسخ مثبت گفتیم. در مقابل برداشت محصول پيله ابريشم (نوغان) و فروش آن و حفظ و نگهداری درختان توت با مشکلاتی روبرو هستیم، که تنها کمک و مساعدت مقامات مسئول می تواند ما را در انجام امورمان یاری نماید.

فروشی پيله ابريشم در بازار، با وجود واسطه ها و تعیین قیمت از جانب آنها، قیمت دولتی را زیر ضربه قرار میدهد و باعث رونق کار سرمایه داران شده و سبب می گردد که دولت نتواند محصول کشاورزان مومن به انقلاب را خریداری نماید. لذا ما امضاء کنندگان خواستار اجرای برنامه های زیر میباشیم:

الف. قطع دست واسطه ها، که محصول را از کشاورزان نا عادلانه می خردند و بر اثر دست بدست گرداندن، سودگافی را خود میبرند.
ب. جهت مبارزه با آفت درختان توت، اولاً بانک کشاورزی برای تامین هزینه این مبارزه به کشاورزان وام پرداخت کند. ثانیاً اداره کشاورزی منطقه وسائل اولیه دفع آفت (سم و ویب سمپاشی) را در اختیار کشاورزان قرار داده و طرز بکارگیری این وسائل را به آنها آموزش دهد، که اگر بدین مهم توجه نشود، ناچندی دیگر از درخت توت در نوتستانها اثری باقی نخواهد ماند.

انجام خواسته های فوق از عهده دولت انقلابی جمهوری اسلامی ایران برمی آید، بر مقامات مسئول است که ما کشاورزان را در جهت خنثی کردن کار ضد انقلاب (سرمایه داران بزرگ، زمین داران بزرگ و واسطه ها) که زیر پوشش اسلام عمل می کنند و به قول امام خمینی "اینها با اسلام می آیند... ضد اسلام و ضد انقلاب هستند..." و نیز در مبارزه با آفت درختان توت ماکشاورزان را یاری کنند.

نامه "مردم" - محتوی این نامه با امضاء و اثر انگشت بیش از صد نفر از دهقانان منطقه لنگرود تأیید گردیده است. امید است که با رسیدگی فوری به خواست دهقانان، آنان را برای بهبود هرچه بیشتر تولیدیاری رسانند.

انجام اصلاحات ارضی در قریه زعفران قزوین

قریه زعفران در ۲۵ کیلومتری جنوب قزوین قرار دارد. در اصلاحات ارضی شاهانه سال ۴۲، حدود ۲۰۰ هکتار از زمینهای حاصلخیز را مالک ده، از ایادی دربار و مدیرعامل سابق بانک رفاه کارگران، به خود اختصاص داد. چند سال قبل این مالک بزرگ زمینها را به شخص دیگری منتقل کرد.

بعد از انقلاب، کشاورزان قریه زعفران زمینها را تصرف کردند، ولی هیئت ۵ نفره (در دوره بازرگان) به نفع مالک رای داد. پس از تصویب قانون اصلاحات ارضی و تشکیل هیئت هفت نفره، کلیه زمینها بین روستائیان تقسیم شد.

قانون اصلاحات ارضی، که خونبهای مبارزات طولانی کشاورزان میهن ماست، باید در تمام مناطق و روستاهای دیگر با قطع دست ایادی مالکان بزرگ، به نفع دهقانان تحقق یابد. دهقانان باید با انتخاب نمایندگان خود، در اجرای این قانون به مقامات کمک کنند.

زمین ورفاه

پیک

بهروزی دهقانان قرق گدزی به روستا

روستای قرق در یست و پنج کیلومتری گرگان و بر سر راه جاده ترانزیتی تهران - مشهد قرار دارد. در این روستا حدود هزار و صد خانوار سکونت دارند، که ترکیبی از افراد بومی، سیستانی و عنده قلیلی ترکمن و ارمنی هستند.

اکثریت قریب به اتفاق اهالی یا بر روی اراضی بزرگسالکان کلر میکنند و یا از طریق کار در کارخانه دخانیات و کارگری ساختمانی روزگار میگذرانند.

زحمتکشان این روستا بر روی زمینهایی که هتصد هکتار آن به چند خانوار و نیز اراضی وسیعی که به افراد بومی تعلق دارد، فعالیت می کنند.

خوشنشینان روستای قرق حتی مالک خانه های مسکونی خود نیستند. آنان یا مستاجر هستند و یا در کومه های کارآریاب ساخته، سکونت دارند.

خانه های کوچک همسطح با زمین و بجزه های گداز آنها بجای شیشه از لیس کپنه استفاده شده و دیوارهای در حال ویرانی، گواه وجود فقر یزد و حصری است که گریبان زحمتکشان را گرفته است.

دهقانان در سالهای سیاه دوران طاغوت از صبح تا شب زحمت میکشیدند و حاصل کار آنان با نسیبهای ۵ به ۴ (پنج سهم اریاب و دو سهم دهقان) و یا ۴ به ۱ تقسیم میشد. بقول یکی از دهقانان:

«آخر سر، بعد از کلی زحمت، دست از پا درازتر به خانه برمیگشتم»

پس از انقلاب، دهقانان بصیرانه در انتظار تقسیم اراضی و احقاق حق خود بودند، لیکن پاسخی به این انتظار آنان داده نشد. البته برای تقسیم زمین، شورایی مرکب از جوانان بوجود آمد، لیکن بعلت عدم تقاضا و فقدان قدرت اجرایی کار صورت نگرفت. زمینداران بزرگ نیز بمنظور حفظ مالکیت غاصبانه خود به کشت گندم در زمینها اقدام کردند، در حالیکه در سالهای گذشته چیه میکشیدند آنان بدین خاطر به کشت گندم میاندوت و زبیدن تا اولا مالکیت خود را ثابت کنند و در ناتی چون زراعت گندم به سرپرستی کمتری نسبت به چیه احتیاج دارند، از کلرگی بی نیاز باشند.

یکی از دهقانان این روستا، که یوسف گول زابلی نام دارد، می گویند:

«یست و دو سال است که از زایل به اینجا آمدم. در عرض این یست و دو سال همیشه کار کردیم و جنگلها در اثر کار ما به زمین زراعتی تبدیل شد. حال این وضع زندگی ماست. تازه این خانه کتیف ورطوطی هم مال من نیست و به اریاب تعلق دارد»

ریکی دیگر از روستائیان وضع زندگی و مشکلات

اخبار دهقانی

زمینهای مهرآباد قزوین توسط اهالی و با حمایت هیئت هفت نفره به دهقانان واگذار شد

روستای مهرآباد در ۳۳ کیلومتری جنوب قزوین قرار دارد، که حدود ۶۸ خانوار در آنجا ساکن هستند.

در دوره "اصلاحات ارضی شاهانه"، مالک ده، که از تجار بازار تهران نیز هست، ۷۰۰ هکتار از مرغوبترین زمینها را به خود اختصاص داد. بعد از انقلاب و تصویب قانون اصلاحات ارضی از طرف شورای انقلاب و مساعی استاد رضا صفهانی، اهالی ده زمینها را، با حمایت و ارشاد هیئت هفت نفره، بین روستائیان تقسیم کردند.

زمینهای مالک غاصب بین روستائیان تقسیم شد

قریه حسین آباد در جنوب شرقی قزوین قرار دارد. مالک این ده قبل از اصلاحات ارضی تمام روستائیان صاحب نسق را با اعمال زور از ده بیرون و خانه های آنها را خراب کرد و بجای آن تاسیسات دامداری ایجاد کرد. فقط چند نفر، که صاحب نسق نبودند، اجازه داشتند در روستا باقی بمانند و برای مالک بزرگ کار کنند.

بعد از انقلاب، مالک بزرگ مخفی شد، ولی در دوره "دولت گام به گام" دوباره آفتاب شد، و حتی گستاخی راه جایی رساند که به فرمانداری مراجعه و از دست دونفر از اعضا جهاد سازندگی قزوین، که درصدد تقسیم اراضی وی بودند، شکایت کرد.

پس از تشکیل هیئت هفت نفره، توسط این هیئت زمینها بین روستائیان، که به شهرهای قزوین و کرج و تهران کوچ کرده بودند، واگذار شد.

در حال حاضر روستائیان زمینها را کشت می کنند و به وسائلی چون تراکتور، کود شیمیایی، سم و دیگر نیازهای ابتدائی رفاهی احتیاج دارند. هیئت هفت نفره، عهده دار وظیفه مهمی هستند. آنها باید اراضی بزرگ مالکان را، که جز از طریق غصب زمینهای دهقانان به چنگ نیاوردند، میان دهقانان به طور عادلانه تقسیم کنند. دولت قادر است با واگذاری



فوزیه، دختر دوازده ساله ایست که بدرستی قادر به حرف زدن نیست. فوزیه زمانی که شش ماهه بود، در اثر سهل انگاری یک پزشک دچار رشد غیر طبیعی در ناحیه سر و در نتیجه عقب ماندگی رشد شد. پدر فوزیه برای یک فتودال دریکی از روستاهای قائم شهر کار می کند. او از اینکه برای رسیدگی به وضع خانه و خانواده خود از فتودال احقاق حقوق کند، می ترسد. باید بسلطه زمینداران بزرگ و دیگر افسار استمارکننده در روستاها پایان داد و بزندگی خانواده فوزیهها رونق بخشید.

از بررسی و نقشه برداری دقیق، زمینها را بین ۴۷ خانوار تقسیم کردند. این تقسیم اراضی شامل افراد بالاتر از ۱۸ سال می شود، حتی اگر در شهرها جاهای دیگر مشغول به کار باشند (در صورتی که این افراد تا بهمن ماه ۵۹ از کار خود استعفا دهند).

تقریباً به هر خانوار ۱۰ هکتار زمین رسیده است. دهقانان فعلاً موظف هستند که گندم وجو و هر چیزی که کشور بیشتر احتیاج دارد، کشت کنند.

در حال حاضر مسئله خدمات رفاهی و همینطور کشت و چگونگی آن برای دهقانان مطرح است. قرار است به پیشنهاد هیئت هفت نفره شرکت تعاونی تشکیل گردد. ضمناً روستائیان خواستار وام هستند.

بهروزی دهقانان در کور اتحاد و شکل آنان در اتحادیه های دهقانی است. دهقانان باید با جهاد سازندگی، این نهاد انقلابی، همکاری موثر و سودمند داشته باشند. دولت باید به خواستهای اساسی دهقانان این روستا، که تشکیل شرکت تعاونی و پرداخت وام از جانب دولت است، رسیدگی کند.

دست مالکان زورگو کوتاه!

مالک بزرگ و عوامل او در روستای لیا، زندگی را بر دهقانان تلخ کرده اند. مانع مشروب شدن اراضی آنها میشوند، تا جایی که چندین پیش در حدود ۳۰۰۰ نفر از کشاورزان این روستا واقع در جنوب قزوین در ۱۵ کیلومتری کنار جاده بوئین زهرا، داخل شهر شدند تا به مقامات مسئول و نا رضائی و تشنج ایجاد میکنند.

عوامل اریاب هر یک چند هکتار زمین را درخت کاشته اند و از منبع آب آشامیدنی زمین به دهقانان اهالی این روستا جهت آبیاری درختها استفاده میکنند، که این عمل باعث کم آبی در روستا شده است. هنگامی که روستائیان به این عمل اعتراض و فتودالها از حقوق کردند، مالک و عوامل

وسائل مدرن و مکانیزه کشاورزی مانند تراکتور و کمباین و دادن وام، کود، بذر و سم و دیگر وسائل کشاورزی، دهقانان را در امر تولید یاری رساند.

با اتحاد و همبستگی و به کمک نهادهای انقلابی میتوان به هدف رسید

روستای نجف آباد در شمال غرب قوچان قرار دارد. بزرگ مالک این روستا تاخروداد ۵۹ صاحب مرغوبترین اراضی بود. زمینها و دیگر اموال تحت تملک وی، ۷۶۰ هکتار زمین آبی و ۱۸ حلقه چاه عمیق و موتور آب بود.

بزرگ مالک برای اینکه روستائیان نسبت به اراضی وی ادعای مالکیت نکنند، نیروی انسانی مورد احتیاج خود را از اهالی دهات اطراف، بصورت کارگران کشاورزی و بطور موقت بکار می گرفت و آنان را با توسل به رشوه و تطمیع در مقابل روستائیان قرار می داد. روستائیان نسبت به این عمل اعتراض کردند و خواستار واگذاری زمینها شدند و نیز به بزرگ مالک اجازه جمع آوری خرمنها را ندادند.

در پی شکایت روستائیان به مراجع قانونی، بزرگ مالک از سوی نهادهای انقلابی، چون جهاد سازندگی و سپاه پاسداران و دادگاه انقلاب تحت تعقیب قرار گرفت و در دادگاه محکوم گردید.

آنگاه محصول به نسبت نصف به نصف بین مالک و دهقانان بی زمین و کم زمین تقسیم و زمینهای وی نیز مصادره شد و در اختیار این روستائیان قرار گرفت.

مصادره زمینها و واگذاری آن به دهقانان، عملی است مثبت و منطبق با قانون واگذاری زمین به دهقانان تهی دست. اجرای قانون در سراسر کشور خواست دهقانان است و باید هر چه زودتر قاطعانه و با در نظر گرفتن منافع دهقانان تهی دست اجرا شود.

به همت اهالی و جهاد سازندگی، اراضی روستای میان پالان بین کشاورزان تقسیم شد

قریه میان پالان در ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی قزوین قرار دارد. مقدار زیادی از زمینهای مرغوب قریه در تصرف دونفر است، که در روزهای انقلاب فعالیتهای ضد انقلابی داشته اند. در تاریخ ۵۹/۳/۱۹ چهار نفر از هیئت هفت نفره، (دونفر از جهاد سازندگی و دونفر از اهالی روستا) در مورد تقسیم اراضی اقدام کردند و پس

دهقانان کم زمین! ولی زمین!

با تشکیل کمیته های خود و تکیه به پاسداران جهاد و افراد دلسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سرپا و سودمند اجرا شود



سوریه و اتیوپی تلاش آمریکا را برای ایجاد پایگاه نظامی در آفریقا و خاور میانه محکوم کردند

در دمشق، حافظ اسد رئیس جمهور سوریه، با وزیر خارجه اتیوپی در باره اوضاع آفریقا و خاور میانه مذاکرات مهمی انجام داد.

افکار عمومی هند پشتیبانی انگلیس را از سیاست آمریکا در آسیا و هند محکوم می کند

افکار عمومی هند با ختم منفرد در مورد خبری که طی آن گفته شده بود، نمایندگی انگلیس در دبی به سرانجام نرسیده است، به شدت متذکر است.

روزنامه "ایندیان اکسپرس" نوشت که بنا به منطبق دولت انگلیس، ایجاد منطقه صلح و همکاری در اقیانوس هند به زبان تحکیم صلح و امنیت منطقه است.

ناظران سیاسی در دهلی نو گفتند که روش دولت محافظه کار رلند در مورد اقیانوس هند شکست آوریست.

کشورهای غیر متعهد برای مقابله با جعلیات خبرگزاری امپریالیستی همکاری می کنند

در پی اجلاس کمیته همکاری خبرگزاری بهای کشورهای غیر متعهد در ناگوا، پایتخت نیکاراگوئه، دبیر کل این کمیته گفت که مسائل بسیاری مربوط به مبارزه کشورهای در حال توسعه، برای تأسیس یک نظام اطلاعاتی عادلانه جهانی مورد بحث قرار گرفت.

در اجلاس ناگوا، کشورهای غیر متعهد عضو کمیته همکاری، حمایت تمام عیار خود را از جنبش های آزادیبخش ملی اعلام و تأکید کردند که مهمانند همبستگی و همکاری خود را در مبارزه علیه "اطلاعات امپریالیستی و استعماری" که رسانه های گروهی قدرتمند امپریالیستی آنسرا کنترل می کنند، تحکیم بخشند.

وزیر خارجه کامبوج: با سندهای پول بوت - بنگ ساری راهزنانند

وزیر خارجه کامبوج اظهار داشت که باندهای پول بوت - بنگ ساری که در تایلند مستقر شده اند، راهزنانی بیش نیستند و این باندها اکنون آشکارا به چپاول و غارت اموال ساکنان نواحی مرزی کامبوج می پردازند.

دبیر ملی فدراسیون اتحادیه های کارگری بولیوی بر اثر شکنجه در معرض خطر مرگ قرار دارد

"کنفدراسیون عمومی کار" در فرانسه، در بیانیه ای اعلام کرد که سیمون ریس، دبیر ملی فدراسیون اتحادیه کارگری بولیوی، که از ژوئیه گذشته در پستی کودتای نظامیان مزدور بولیوی زندانی شده بود، به گونه ای بسیار "هولناک" تحت شکنجه قرار گرفته و در معرض خطر مرگ قرار دارد.

رژیم سادات همچنان ضد انقلابیون افغانی را مسلح می کند

روزنامه پاکستانی نوای وقسست گزارش می دهد که آمریکا و معر قرار دادی در مورد کمک به "تورشیان" افغانی امضاء کردند. به موجب این قرارداد، رژیم سادات سلاح هایی از قبیل موشک زمین به هوا و نارنجک انداز را اختیار نمود.

نخست وزیر جدید لهستان تعیین شد

اجلاس کامل کمیته مرکزی حزب متحده کارگری لهستان برگزار شد. این اجلاس گزارش اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور را استماع کرد.

در جهان سوسیالیسم

کرایه خانه نازل در جمهوری دمکراتیک آلمان

بهبود شرایط سکونت یکی از مهم ترین وظایف اجتماعی دولت در جمهوری دمکراتیک آلمان است. در سالهای ۵۴ - ۱۳۵۰ دولت در حدود ۳۹ میلیارد مارک با بابت خانه سازی خرج کرد.

Table with 3 columns: Location, Year, and Value. Rows include: خانه دواتاقه (82 مارک), خانه سه اتاقه (107 مارک), خانه چهار اتاقه (133 مارک).

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

صدا و سیمای جمهوری ...

احزاب، شخصیت های انقلابی و مردم میهنان گشته است. از رهبر انقلاب امام خمینی تا مجلس شورای اسلامی، از رئیس جمهوری تا تمامی گروهها و سازمانها و احزاب سیاسی هوادار انقلاب ایران، همه و همه از سیاست حاکم بر این ارگان انتقاد می کنند و خواهان اصلاح آن هستند.

با اینکه تاکنون مدیریت صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران چندبار تغییر کرده است و با اینکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اداره این دستگاه عظیم تبلیغی، سیاسی، آموزشی به عهده قوای سگانه گذاشته شده است، در کمال تعجب و تاسف هنوز بروشنی مشخص نیست که اداره این سازمان به عهده کیست و چه کسانی خط مشی آنرا مشخص می کنند.

حالا این سؤال مطرح می شود که این تغییر بنیادی توسط چه کسانی باید صورت گیرد؟ اکنون که مجلس شورای اسلامی وارد دوره قانون گذاری خود شده و دولت جدید نیز بزودی تشکیل خواهد شد، چه ارگانی مسئولیت اداره و تصحیح خط مشی حاکم بر این سازمان را به عهده می گیرد؟

ماتر ۴ ماه پیش، طی همان مقالاتی که به مناسبت انتصابات جدیدی که از سوی رئیس جمهوری در این ارگان صورت گرفت، نوشتیم، درباره ادامه چنین سیاستی به مسئولان این سازمان هشدار دادیم.

مادرمهان زمان تذکر دادیم که غالب نبودن خط صد امپریالیستی و خلقی امام در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به معنای فقدان کادر مؤمن و انقلابی در این سازمان نیست، و وظیفه افراد مؤمن و متعهد است که با غالب کردن این "خط"، گام مثبتی در تقویت انقلاب و ارگانهای آن بردارند.

سخن آخر: هیچکس از رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی ایران راضی نیست!

سیاست حاکم بر صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، موجب ناراضی تمامی سازمانها، گروهها،

در جهان سرمایه داری

درس جدید دبیرستان های بزیستانیا

به موجب گزارشهای رسمی شماره بی - کاران در بزیستانیا اینک به ۶۷۶ ۶۵۹ - ۱ رسیده و پس از دوران جنگ جهانی دوم رکورد جدیدی به جای گذاشته است.

به نوشته "تابمز": "در تابستان و پائیز امسال در بسیاری از نقاط آذربایجان، نقر، بیش از پنج و برخی اوقات هشت یا نه نقر، در بازار کار ریخته در جستجوی هرگونه کاری خواهند بود."

در حدود یک سوم مردان ونیمی از زنان بیکار در بزیستانیا نشان کمتر از ۲۴ سال است. رکود اقتصادی همواره به شماره جوانان بیکار می افزاید.

در روشن امسال، شماره جوانانیکه مدرسه را ترک گفته اند و بیبهره در جستجوی کار و یا محل کار آموزی هستند، به ۱۸۷۰۰۰ رسیده. از آن هنگام تاکنون به هزار دختر و پسر دیگر نیز از کلاس درس خدایا حافقی کرده اند. شاید آخرین درس آنها طرز بیکاری در خواست کمک هزینه بیکاری بوده است.

جورج استرینجر، معاون دبیرستان کینگز لین در این باره گفته است: "درست است، که این موضوع در برنامه تدریس پیش بینی نشده است، ولی ما باید واقعیات را در نظر بگیریم."

از اجتماعات...

بقیه از صفحه ۱

نیاسامانیهای باقیمانده از دوران تسلط طاعوت و تنظیم و تصویب قوانین مترقی کار و تامین اجتماعی، ازادکذاشتن آنان در تجمع های امیل سندیکائی و شورائی در دوران پس از پیروزی انقلاب است. معذک نظر اولویت قائل بودن برای مصالح... این مشکلات را با مسر و... این مشکلات تحمل می کنند. از... با سابق درخشان... منفی جز این هم... با هوشتیاری... تمام نیروی طبقاتی خود... از دستاوردهای انقلاب... خود را معطوف... و توطئه های آن... مشکلات خاص... در تلتیق ماصالح... حل و فصل... نسبی مراتبی که برترمدیم و توجه به این بدیده بسیار قابل دقت، که... علیرغم سانس... موفتانه در... از انقلاب ضد... خلی ایران، برهبری... حرکت می کند... به سینه عوامل و عناصری می گذارد... اعتراضات... توطئه های ضد... در عین حال باید... می توان همچنان... در برابر قبول... قانونی کارگران... از کارگران... وضع موجود نیز حل... صرف نظر

کند. واقعیت اینست که کارگران خود به اندازه کافی در طرح خواستهای که اجرای آنها برای دولت جوان انقلابی مقنور نیست، خودداری نشان می دهند. اگر باین وجود، کارگران تقاضاهای خود را مطرح می سازند، این دیگر نشانه آنست که کارد به استخوانشان رسیده و امکان اینکه همچنان دندان روی چکر بگذارند، از آنان سلب شده است. اجتماعات و تظاهرات مسالمت آمیز کارگران در هفته های اخیر، چه در صنعت چاپ و چه اصولا در همه نقاط کشور، دلیل روشن وجود چنین وضعی در میان کارگران است. به همین جهت بنظر میرسد که نباید بدون اغتا از کنار این اجتماعات گذشت و دلخوش بود که این اجتماعات با خوبی و آرامش برگزار می شود. از اجتماعات کارگران باید درسهای جدی گرفت، و تادیر نشده، باید در حل و فصل مشکلات به کارگران کمک کرد، تا نه فقط موجبات دلگرمی بیشتر کارگران نسبت به برتری انقلاب فراهم آید، بلکه ربه ضد در طبقات زحمتکش بسود خود برود. برداری کید، خشکانیده گردد. بنظر ما چندین درس بر رو جدی از اجتماعات و تظاهرات آرامش جوینانه کارگران در هفته های اخیر باید گرفت. این درسهها بویژه عبارتند از:

- ۱- مسائل مربوط به کار و زندگی کارگران بصورت حادی در آمده و طبقه کارگر از نظر توسعه میکاری، گرانی و تورم در معرض فشار طاقت فرسائی قرار گرفته است. دستمزد کارگران در برابر ساعات

طولانی روز کار ناچیز است. معذک همین دستمزدها آشکارا در معرض تهاجم غارتگرانی قرار گرفته، که با استفاده از سلاح گرانی و تورم، احتکاز کالا و ایجاد کمبایی، قست اعظم آنها از دست کارگران می ربایند. وسعت بیکاری درجه طاقت فرسائی دارد. در نتیجه نهائی، بار سنگین ناشی از بیکاری بدوش طبقه کارگر تحمیل می شود، که از هر خانواده آن حداقل یک یا دو نفر بیکار شده اند. وسربار دیگر افراد خانواده هستند، که بدون آنهم درآمد کافی ندارند. حل مسائل گرانی، تورم، بیکاری، مسکن و دیگر اموری که با بهبود شرایط کار و زندگی زحمتکشان ارتباط دارد، محتاج اقدامات جدی و فوری است. با حل این مسائل به سود کارگران، با کاهش و تثبیت قیمت ها، با ایجاد کار از راه بکار - انداختن کارخانه ها و کارگاههای درحال تعطیل، با حل مسئله مسکن برای کارگران، باید بکمک طبقه کارگر شتافت و این طبقه زحمتکش و محروم را در رهائی از وضع سخت و طاقت فرسائی کنونی نجات داد. پیش از این، در حل و فصل این مسائل، که میتوان از راه انقلابی و بطور ضربتی بسود زحمتکشان حل و فصل کرده، نباید تعطیل و تاخیر روا داشت. ۲- کارگران ایران، که نقش قاطعی در تدارک و تکوین پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی داشته و بیشترین قربانیان را متحمل شده اند، بدرستی انتظار داشتند که پس از پیروزی انقلاب، نقش برجسته و مهمی در ارگانهای انقلابی دولت انقلاب داشته باشند. کارگران به درستی انتظار داشتند که پس از پیروزی انقلاب بطور فعال در تهیه و تنظیم

قوانین کارگری شرکت داده شوند و از حق تشکل آزاد سندیکائی و شورائی بدون هیچ مانعی برخوردار گردند. متأسفانه باید گفت که این انتظار کارگران برآورده نشده و وزارتخانه های بیجا مانده از دوران طاعوت، برای پذیرش این واقعیت، که باید کارگران را «ببازی» گرفت و قوانین کارگری را با مشورت یا نمایندگان آنان تنظیم و تصویب کرد، از خود آمادگی نشان ندادند. وزارت کار هر روز، یکی پس از دیگری، بدون مشورت قبلی بسا کارگران، قانون و آئین نامه می گذراند و جالب اینکه، کمترین توجهی به اعتراض کارگران در این مورد، که باید با آنان مشورت کرد، ندارد. کارگران از روشی که، علیرغم تأکیدات امام، آنانرا به هیچ می شمارد، شدیداً و بختی ناراضی هستند. باید به این وضع خاتمه داد. باید کارگران را بعنوان طبقه ای فعال در اتخاذ تصمیمات و تهیه طرح های قانونی، که مربوط به کار و زندگی آنهاست، شرکت داد. بی اعتنائی در برابر این خواستها و ذهن گمی نسبت به خواست کارگران در زمینه تشکل سندیکائی و شورائی، به انقلاب کمک نمی کند، بلکه زمینه مساعد عدم رضایت را بسود ضد - انقلاب بوجود می آورد. ۳- شک نیست که ضد انقلاب در صدد استفاده از زمینه های عدم رضایت در میان کارگران است. ضد انقلاب می کوشد از مشکلاتی که قسمت مهم آنها نتیجه تسلط رژیم ترورواختق و دست نشانده امپریالیسم بر کشور بوده، تحت عنوان دلوزی برای

کارگران استفاده کند. بویژه هدف ضد انقلاب اینست که با کشتاندن کارگران به تظاهرات خاداعصابی و تصمن، چرخ تولید و اقتصاد کشور حرا فلج کند و جمهوری جوان توطئه های اسلامی را در برابر مشکلات جدی قرار دهد و در این عرصه ضربات مهلکی به انقلاب وارد آورد. طبیعی است که کارگران و زحمتکشان ایران در برابر این توطئه ها از خود بیداری نشان داده و خواهند داد و با تکیه برشم و آگاهی طبقاتی توطئه های ضد انقلاب را خنثی خواهند کرد. پاسخ ضد انقلاب توطئه ساز و آشوب برپاکن در شرایط کنونی، خودداری کارگران از هر نوع اقدامات خاداعصابی، تصمن و رام - بیانی، و تکیه بر شیوه مذاکره و آگامساختن افکار عمومی و مقامات مسئول نیست به قبول خواستهای قانونی و بحق آنان است. ۴- تجربه گذشته همین حوادث اخیر اجتماعات کارگری بیاتکر است که، آنجا که کارگران در سازمانهای امیل منفی خود، یعنی سندیکاها و اتحادیهها و شوراهای انقلابی کارگری تشکل هستند، امکان تحریک و توطئه محافل ضد انقلابی مسدود و یا محدود است. بمتوان نسونه، اگر هیئت مدیره سندیکاها کارگران چایخانه و یا نمایندگان آگاه کارگران صمت نفت در سندیکاها و شوراهای پسا در میان نمی گذاشتند و حل مسائل پیچیده را بدرستی برای کارگران توضیح نمی دادند، چه بسا ضد انقلاب موفق می شد که کارگران را، علیرغم میل آنها، به اعتصاب و تصمن بکشانند. این واقعیت انکار -

ناپذیری است که تشکل منفی و شورائی کارگران در شرایط کنونی، قبل از آنکه از نظر تامین خواستهای خود کارگران اهمیت داشته باشد، از نظر حفظ انقلاب در برابر توطئه های ضد انقلاب و امپریالیسم تجارزکار ضرورت و اهمیت دارد. کارگران خود به اهمیت سازمان های منفی و شورائی واقفند و برای تشکل از خود آمادگی نشان می دهند. آنچه مانع است که این امر مهم و حیاتی از نظر انقلاب به اجرا آید، بدگمانی و در برخی موارد حتی مخالفتی است که از جانب برخی مقامات مسئول نسبت به ایجاد و توسعه سازمانهای منفی کارگران (سندیکاها و اتحادیهها) و تشکل شورائی کارگران بعمل می آید. اظهارات ضد و نقیض مقامات وزارت کار در این مورد شاهد گویائی بر ادعای ماست که، هنوز آنان به اهمیت تشکل منفی و شورائی کارگران از نظر حفظ منافع و مصالح انقلاب واقف نیستند. نتیجه اینکه، مسئله مهمی مانند تشکل منفی و شورائی کارگران، که باید مورد تویق و حمایت مقامات مسئول باشد، حتی علیرغم صراحت قانون اساسی جمهوری اسلامی، با ایراد و مخالفت مواجه است. بخاطر تامین پیروزی انقلاب، باید این مخالفتها از سر راه تشکل طبقه کارگر ایران برداشته شود. این است آخرین درس جدی که باید از حوادث جاری کارگران در کشور گرفت، تا بتوان به ضرورتهای تشبیب و تمیق انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی در مرحله کنونی رشد آن به درستی پاسخ داد.

بر اساس اسناد بدست آمده، میسیونرهای مذهبی از جمله مراکز جاسوسی امپریالیسم آمریکا در ایران بودند

میسیونرها با گروهی از افسران ارتش، نیروی هوایی و ادارات دولتی تماس و همکاری داشتند

چندی پیش یک مرکز جاسوسی اسرائیل در تهران، که تحت پوشش فرهنگی - تربیتی (مدرسه اندیشه) به فعالیت های جاسوسی علیه انقلاب ایران مشغول بود، کشف شد. بر اساس اسنادی که از این مرکز جاسوسی بدست آمده، میسیونرهای مذهبی در ایران برای سازمانهای جاسوسی «سیا»، «موساد» و «اینتلیجنس سرویس» جاسوسی می کردند. این اسناد همچنین حکایت از آن می کرد که «اسرائیل با ایجاد ارتباط با عدّه زبانی از پدران روحانی و این گونه مدارس دولتی و غیر دولتی در کشورهای خاورمیانه مانند ایران، اردن، لبنان و عربستان سعودی به جاسوسی پرداخته اند» (کیهان ۲۶ مرداد ۵۹). مدارسی که مدرسان و تلمیذ دهندگانش یعنی «فادرها» یا پدران روحانی بارها و بارها به اسرائیل سفر کرده و با آن مکاتبه داشته اند. آغاز فعالیت های «میسیونرسم» و میسیونرهای مذهبی (پیام آوران) به قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی، دوران شکوفایی سرمایه داری در کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی بازمی گردد. به دورانی که سرمایه داری از طریق سیاست استعماری خود به منظور دست یابی به ذخایر و منابع زرخیز و همچنین نیروی کار ارزان، کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا را زیر سلطه خون آشام خود قرار می داد. این فعالیت به دورانی بازمی - گردد که سرمایه داری از تمام مسامحتی خون چوچک بیرون می رزده. میسیونرهای مذهبی، که لنین بدرستی آنها را «پیش آوران استعمار» نامید، تحت لوای ترویج به اصطلاح مسیحیت، به میان مردم بومی این کشورها می رفتند و از طریق ایجاد مدارس میسیونری و جلب عناصر مترازل بومی، شرایط ذهنی مناسبی را برای نفوذ سلطه خود تدارک می دیدند. فعالیت میسیونرهای مذهبی بایان نهادن سرمایه داری به مرحله های خود یعنی امپریالیسم و یابگیری سازمانهای مخوف جاسوسی به طریق اولی، اشکال نوینی به خود گرفت، که ارتباط مستقیم با دستگاههای جاسوسی و اشاعه سیاستهای نو استعماری امپریالیسم از آن جمله اند. اولین گروههای میسیونرهای مذهبی در حدود اوایل قرن نوزدهم به ایران آمدند. گروههای اول میسیونری در ایران متعلق به دولت استعمارگر بریتانیا بودند، که مرکز عمده فعالیت های آنان در جنوب ایران قرار داشت. سپس نوبت گروههای میسیونری آمریکایی رسید. میسیونرهای مذهبی، چه انگلیسی و چه آمریکائی و... از طریق ایجاد مدارس، نشر کتابهای مختلف و تربیت کادراهای مناسب، فعالیت های مخرب خود را آغاز کردند. میسیونرهای مذهبی در دوران رژیم سرتکون شده پهلوی به طور عمده به اشاعه فرهنگ امپریالیستی، تربیت افراد طرفدار سرمایه داری جهانی و ایجاد ارتباط بین دستگاههای امنیتی و جاسوسی امپریالیستی، اسرائیل و ایران میادرت می ورزیدند. پس از پیروزی انقلاب ایران، این مراکز با اصطلاح تربیتی بخشی از فعالیت های جاسوسی سیا و موساد و اینتلجنس سرویس را در ایران

بصده گرفتند. در حقیقت باید گفت که چنین مراکز از جمله حلقه های زنجیره های ضد انقلاب در ایران بودند، که پس از اشغال مرکز جاسوسی آمریکا در ایران و به این ترتیب سر به خوردن یکی از مراکز عمده هدایت هدایت های جاسوسی، این نقش بصده دیگر مراکز جاسوسی، از جمله مدارس میسیونری افتاد. اسنادی که از یکی از این مدارس جاسوسی بدست آمده، حکایت از فعالیت گسترده و مخرب گرداندگان این مراکز می کند. از جمله می توان از اسنادی چون:

- سند مربوط به «سیا»، که مطابق آن «سولیوان» سفیر سابق آمریکا در ایران و یکی از برجسته ترین مهربه های جاسوسی آمریکا در ایران، از دریافت میکرو فیلم ها، نقشه های سیاسی - نظامی و مدارک مربوط به تعدادی شرح حال افسران نیروی هوایی توسط یک مبلغ مذهبی در ایران، از او تشکر کرده است.
- سند مربوط به ساختن جوهر نامرئی و ساختن مواد منفجره.
- سندی که مطابق آن یکی از پدران روحانی به ریچارد هلنز، سفیر سابق آمریکا در ایران و سر جاسوس سیا نامه نوشته و یک هدیه روحانی را به عنوان مطمئن ترین فرد معرفی کرده و اظهار داشته است که این فرد به تمام اطلاعات نظامی و سیاسی در سطح ایران دسترسی دارد و می تواند آنها را بصورت رمز برای آنها بفرستد.
- سند مربوط به نامه یک افسر فرمانده پتاکون در آمریکا، که برای همین «هدیه روحانی» نوشته است و در آن از دریافت نقشه فرودگاههای مختلفی که در ایران آمادگی ایجاد جنگ داخلی و کودتا را دارند، نام برده است.

در مورد ارتباطات این میسیونرها، آقای بهزاد، معاون تبلیغاتی وزارت ارشاد ملی، در مصاحبه ای با روزنامه کیهان اظهار داشت:

«اینها و میسیونرهای مذهبی، با گروههای ضد انقلاب، بیابانها، تعدادی میلیون مذهبی مسیحی در ایران و حتی بر اساس اسناد بدست آمده با افرادی از افسران ارتش، نیروی هوایی و ادارات دولتی تماس و همکاری داشته اند.»

چنانکه ملاحظه میشود، وجود چنین مراکز دالیر این است که امپریالیسم آمریکا و متحدان و ایادی آن به جد می کوشند تا بطریق هر چه شده و با هر شیوه ممکن، انقلاب ما را با شکست مواجه سازند. با توجه به فعالیت گذشته این مراکز، می توان چنین پنداشت که هنوز هم وابستگان آنها در این جا و آنجا مشغول فعالیت های مخرب اند. بر شک مراکز از نوع مراکز میسیونری در ایران بی شمارند، که هم اکنون نیز در تدارک توطئه و خرابکاری و جاسوسی علیه انقلابند. از این دوست که باید هر چه زودتر و قاطعتر و با هوشتیاری هر چه بیشتر راه را بر این فعالیت های مخرب بست.

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکائی) ضرورت انقلاب ایران است

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در فرانسه در برابر جبهه متحد ضد انقلاب، نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی ایران نیز باید متحد شوند

هموطنان عزیز و مبارز! در تمام مدت حکومت رژیم ننگین پهلوی، ما شاهد مبارزات و افشاگریهای دانشجویان رزمه خراج از کشور بودیم. تظاهرات دانشجویان مبارز ایرانی در بریتانیا به هواخواهی از انقلاب ایران و شناساندن انقلاب ضد امپریالیستی و ختمی برهبری امام خمینی، در برابر سرکوبگران انگلیسی، یادآور آن دوران و دارای اهمیت فراوان است. چنانکه میدانیم، این تظاهرات با حمله پلیس فاشیست ماب بریتانیا، ساواکیهای فراری و طاغوتیان بی وطن مواجه شد و به دستگیری و جرح و ضرب دانشجویان انجامید. عمل دانشجویان مبارز ایرانی چیره واقعی دژخمان انگلیسی را نمایان کرد و نشان داد که امپریالیسم خونخوار بریتانیا چگونه «ارجی» برای آزادی قتل و «انسان دوستی» او از چه نوع است. این «بشردوستان» ضد بشر، که حتی تحمل شنیدن صدای آزادی خواهان را ندارند، برای خونخوارانی چون اوپوی و دیگر جلادان شاه، همه گونه امکانات را فراهم می آورند، تا بار دیگر با کشتار مردم ما «انسان دوستی» خویش را بشود رسانند. هموطنان عزیز و مبارز! جبهه ضد خلق متحد شده و از پشتیبانی جهانخواران بشر - دوست نمای ضد بشر برخوردار است. برای به ثمر رسانیدن انقلاب عزیزمان، که خون پهای ۷۰ هزار کشته و ۱۰۰ هزار زخمی را پشوانه دارد، باید جبهه خلق را متحد کرد و با اتحاد و یکد پارچگی، یوزه کشف امپریالیستی های جهانخوار، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، و توکراتشان - ساداتها، بگن ها، ضیافت خلق - ها و صدام حسین ها را بختک مالید. ما ضمن اعلام پشتیبانی قاطع از عمل دانشجویان مبارز ایرانی در بریتانیا، آنها راه به ثمر رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران را در اتحاد نیروهای ضد امپریالیست و خلقی در یک جبهه متحد می بینیم. هرگز بر امپریالیسم چاینتکار بریتانیا! درود به دانشجویان مبارز ایرانی در بریتانیا! برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست و خلقی!

حمله به محل فروش نشریات حزب توده ایران در رباط کریم

آیت الله بهشتی...

بقیه از صفحه ۱
و سگ ضدانقلاب را گشاده بود. همین ما اینک در روزهای پسر میرید که بی‌شیبته به دوران قبل از کودتای ۲۸ مرداد نیست. اشتباه در شناختن مرز آزادی و توطئه، بنحوی که از آزادی عمل نیروهای انقلابی کاسته شود و با اسکاوات ضدانقلاب برای توطئه گری افزوده شود، نتایج تلخ همان دوران را ببار خواهد آورد.

ملاک تشخیص مرز آزادی و توطئه همان است که آقای طباطبائی، حاکم شرع دادگاههای انقلاب خوزستان گفته‌اند، یعنی معیار واقعی سلب آزادی از افراد، گروهها و احزاب سیاسی باید «رفقار خصمانه» نسبت به نظام جمهوری اسلام باشد نه چیز دیگر.

متأسفانه کسانی هستند که تمایلات ذهنی خودشان را برای سلب آزادی از دیگران کافی میدانند و خودسرانه نیز هر فرد یا گروهی را که بخواهند محکوم می‌کنند و حکم محکومیت آنانرا نیز خود اجرا میکنند و خود کوزه و خود کوزه‌گر و خود گل کوزه میشوند. اقدام آنان عملاً توطئه است، زیرا آزادی عمل را از نیروهای انقلابی بود نیروهای ضدانقلابی سلب و یا محدود می‌کند و این بزرگترین خدمت به ضدانقلاب است، خواه آگاهانه باشد و خواه ناآگاهانه. بی‌پرده نیست که ضدانقلاب به این تمایلات کورته‌بینانه ذهنی دامن می‌زند و در بسیاری از موارد خود ابتکار سلب آزادی از نیروهای انقلابی را بسپرد می‌گیرد، تا بهتر بتواند توطئه‌های خود را پیاده کند.

ما بارها شاهد این طرز عمل ضدانقلابیون بوده‌ایم. کسانی بنام «حزب الهی» به دفاتر سازمانهای ما در تهران و شهرستانها حمله کرده، کتابها را سوزانده و یا آتاقیه و ماشین تحریر و غیره را زدوده و برده‌اند. تقریباً در تمام این موارد ساواکاها و مزدبگیران شایور بختیار و سایر گروههای ضدانقلابی مائوتستی نقش فعال داشته‌اند. این اقدامات، بدانگونه که آیت‌الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور گفته‌اند، به سود ضدانقلاب است. توطئه است و توطئه‌ای بهمان اندازه خطرناک، که همدستی و همکاری با دارو دسته بختیار و کودتاگران «فوزمه» زیرا زمینه‌سازی برای انجام یک جنبش خودبخودی از جنایت است. زیرا هیچ کودتایی بدون داشتن زمینه مساعد نمیتواند پیروز شود. هرچا عوامل ضدانقلاب عمیقتر در نهادهای انقلابی رخنه کرده‌اند، توطئه سلب آزادی از نیروهای انقلابی نیز با پیگیری بیشتری به مرحله اجرا درمی‌آید. عوامل ضدانقلاب مردمان ساده لوح و احمق نیستند که زمینه‌سازی برای پیروزی آریابان خود را از حمله آشکار به انقلاب و جمهوری اسلامی و رهبران جمهوری اسلامی ایران آغاز کنند. آنان با ماسک عوامفریبانه، با نقاب گاه‌مسلمانان نمائی، گاه انقلاب‌نمائی و غیره افکار شیطان خودشان را تحقق می‌بخشند. نباید اجازه داد که کسانی از افراد بی‌مسئولیت‌بنام «مردم» توطئه ضدانقلاب را، که سلب آزادی از نیروهای انقلابی است، پیاده کنند. بخصوص در این لحظه حساس که امپریالیسم هیوم خود را بر ما در تمام طول جبهه آغاز کرده‌است.

آیت الله بهشتی...

بقیه از صفحه ۱
آیت‌الله دکتر بهشتی، رئیس دیوانعالی کشور، دیروز در مصاحبه مطبوعاتی هفتگی خود به سئوالات خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ داد.

وی در پاسخ سئوال یکی از خبرنگاران مبنی بر فعالیت گروههای حزب ما مدارک و اسناد موثقی در دست دارد که ضدانقلاب معصم است در آستانه تهاجم گسترده خود به ایران. بین نیروهای انقلابی جو خصومت و درگیری بوجود می‌آورد. می‌بینیم که ضدانقلاب برنامه خود را با پیگیری دنبال میکند.

خفتی کردن توطئه ضدانقلاب تنها وابسته به ذرات، خردشناسی داری و خردمندی احزاب و گروههای سیاسی طرفدار انقلاب نیست. نهادهای دولتی نیز برای پایان دادن به هرج و مرجی که در زندگی اجتماعی ایران حکمفرماست، باید احساس مسئولیت کنند.

اگر توطئه‌گری ملاک عدم قانونیت برای فعالیت سازمانهای سیاسی است، و باید باشد حزب توده ایران نه تنها توطئه‌گر نیست، بلکه توطئه‌شکن است. فرد فرد اعضای حزب ما در هر کجا باشند، به پیروی از متی اصولی و انقلابی حزبشان، کشف توطئه‌های ضدانقلابی علیه جمهوری اسلامی ایران را از اهم وظایف خود محسوب میدارند. ضدانقلاب‌بازها تا کید کرده‌است که در دشمن اصلی دارد: هواداران صدیق امام و حزب توده ایران. و این بزرگترین افتخار تاریخی برای حزب ماست. نفرت‌و کینه حیوانی ضدانقلاب به حزب توده ایران نشانه وفاداری بی‌پایان آن به انقلاب شکوهمند ایران است. وفاداری ما به انقلاب و به جمهوری اسلامی ایران نیز از متی اصولی و انقلابی حزب ما سرچشمه می‌گیرد. ما معتقدیم که بدبختی و مصائب ایران و تمام جامعه بشری ناشی از نظام مستکرم سرمایه‌داری امپریالیستی است. اگر امپریالیسم، یعنی حکومت انحصارات بزرگ، که اقتصاد جهان سرمایه‌داری را در دست دارند و برای تأمین سود حداکثر بهر جنبش دست‌میزند، از صحنه زندگی اجتماعی جهان رانده شود، خلفه‌ها میتوانند در ظرف مدت کوتاهی با همکاری و همیاری یکدیگر به فقر و جهل، عقبه ماندگی و تمام مصائب دیگر که همه و همه ناشی از سلطه این رژیم اهریمنی است، پایان دهند.

انقلاب ایران در این راه گام بر میدارد و بزرگترین شربت را بر بیکر امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، درخاورد نزدیک و میانه وارد کرده است. ایدئولوژی‌ها، سیاست‌ها، قلب واحساس ما بنا حکم میکند که تا آخرین نفس در راه حفظ این سنگر ضدامپریالیستی مبارزه کنیم، حتی هم‌پرسر کسی نذاریم. وظیفه انقلابی خود را انجام می‌دهیم. از حملاتی که دشمن بر ما میکند، خرسند و سربلندیم. بی‌مهری دوستان انقلاب را تحمل می‌کنیم، اما بدانان توصیه می‌کنیم که بخاطر حفظ انقلاب، در این گذرگاه پرخطر تاریخ، خود را از اسارت پندارهای زهر آلودی که سالیان دراز تبلیغات امپریالیستی پراکنده‌اند، برهانند، دوستان و دشمنان انقلاب را بشناسند و پیروی دوستان یکدشمنان نتیجه نزنند.

آیت الله بهشتی...

سیاسی و در ارتباط با اظهارات حجت‌الاسلام رفسنجانی واقداماتی که در بعضی از شهرستانها از جمله آبادان و خرمشهر در جهت ممنوعیت فعالیت گروههای سیاسی انجام گرفته است، گفت:

ما پریشانی باید بگوئیم به شرایط عادی و سالم زندگی اجتماعی منتقل شویم و یکی از آثار این شرایط عادی همین خواهد بود که

حزب ما مدارک و اسناد موثقی در دست دارد که ضدانقلاب معصم است در آستانه تهاجم گسترده خود به ایران. بین نیروهای انقلابی جو خصومت و درگیری بوجود می‌آورد. می‌بینیم که ضدانقلاب برنامه خود را با پیگیری دنبال میکند.

خفتی کردن توطئه ضدانقلاب تنها وابسته به ذرات، خردشناسی داری و خردمندی احزاب و گروههای سیاسی نیست. نهادهای دولتی نیز برای پایان دادن به هرج و مرجی که در زندگی اجتماعی ایران حکمفرماست، باید احساس مسئولیت کنند.

اگر توطئه‌گری ملاک عدم قانونیت برای فعالیت سازمانهای سیاسی است، و باید باشد حزب توده ایران نه تنها توطئه‌گر نیست، بلکه توطئه‌شکن است. فرد فرد اعضای حزب ما در هر کجا باشند، به پیروی از متی اصولی و انقلابی حزبشان، کشف توطئه‌های ضدانقلابی علیه جمهوری اسلامی ایران را از اهم وظایف خود محسوب میدارند. ضدانقلاب‌بازها تا کید کرده‌است که در دشمن اصلی دارد: هواداران صدیق امام و حزب توده ایران. و این بزرگترین افتخار تاریخی برای حزب ماست. نفرت‌و کینه حیوانی ضدانقلاب به حزب توده ایران نشانه وفاداری بی‌پایان آن به انقلاب شکوهمند ایران است. وفاداری ما به انقلاب و به جمهوری اسلامی ایران نیز از متی اصولی و انقلابی حزب ما سرچشمه می‌گیرد. ما معتقدیم که بدبختی و مصائب ایران و تمام جامعه بشری ناشی از نظام مستکرم سرمایه‌داری امپریالیستی است. اگر امپریالیسم، یعنی حکومت انحصارات بزرگ، که اقتصاد جهان سرمایه‌داری را در دست دارند و برای تأمین سود حداکثر بهر جنبش دست‌میزند، از صحنه زندگی اجتماعی جهان رانده شود، خلفه‌ها میتوانند در ظرف مدت کوتاهی با همکاری و همیاری یکدیگر به فقر و جهل، عقبه ماندگی و تمام مصائب دیگر که همه و همه ناشی از سلطه این رژیم اهریمنی است، پایان دهند.

آیت الله بهشتی...

سیاسی و در ارتباط با اظهارات حجت‌الاسلام رفسنجانی واقداماتی که در بعضی از شهرستانها از جمله آبادان و خرمشهر در جهت ممنوعیت فعالیت گروههای سیاسی انجام گرفته است، گفت:

ما پریشانی باید بگوئیم به شرایط عادی و سالم زندگی اجتماعی منتقل شویم و یکی از آثار این شرایط عادی همین خواهد بود که

حزب ما مدارک و اسناد موثقی در دست دارد که ضدانقلاب معصم است در آستانه تهاجم گسترده خود به ایران. بین نیروهای انقلابی جو خصومت و درگیری بوجود می‌آورد. می‌بینیم که ضدانقلاب برنامه خود را با پیگیری دنبال میکند.

خفتی کردن توطئه ضدانقلاب تنها وابسته به ذرات، خردشناسی داری و خردمندی احزاب و گروههای سیاسی نیست. نهادهای دولتی نیز برای پایان دادن به هرج و مرجی که در زندگی اجتماعی ایران حکمفرماست، باید احساس مسئولیت کنند.

اگر توطئه‌گری ملاک عدم قانونیت برای فعالیت سازمانهای سیاسی است، و باید باشد حزب توده ایران نه تنها توطئه‌گر نیست، بلکه توطئه‌شکن است. فرد فرد اعضای حزب ما در هر کجا باشند، به پیروی از متی اصولی و انقلابی حزبشان، کشف توطئه‌های ضدانقلابی علیه جمهوری اسلامی ایران را از اهم وظایف خود محسوب میدارند. ضدانقلاب‌بازها تا کید کرده‌است که در دشمن اصلی دارد: هواداران صدیق امام و حزب توده ایران. و این بزرگترین افتخار تاریخی برای حزب ماست. نفرت‌و کینه حیوانی ضدانقلاب به حزب توده ایران نشانه وفاداری بی‌پایان آن به انقلاب شکوهمند ایران است. وفاداری ما به انقلاب و به جمهوری اسلامی ایران نیز از متی اصولی و انقلابی حزب ما سرچشمه می‌گیرد. ما معتقدیم که بدبختی و مصائب ایران و تمام جامعه بشری ناشی از نظام مستکرم سرمایه‌داری امپریالیستی است. اگر امپریالیسم، یعنی حکومت انحصارات بزرگ، که اقتصاد جهان سرمایه‌داری را در دست دارند و برای تأمین سود حداکثر بهر جنبش دست‌میزند، از صحنه زندگی اجتماعی جهان رانده شود، خلفه‌ها میتوانند در ظرف مدت کوتاهی با همکاری و همیاری یکدیگر به فقر و جهل، عقبه ماندگی و تمام مصائب دیگر که همه و همه ناشی از سلطه این رژیم اهریمنی است، پایان دهند.

آیت الله بهشتی...

سیاسی و در ارتباط با اظهارات حجت‌الاسلام رفسنجانی واقداماتی که در بعضی از شهرستانها از جمله آبادان و خرمشهر در جهت ممنوعیت فعالیت گروههای سیاسی انجام گرفته است، گفت:

ما پریشانی باید بگوئیم به شرایط عادی و سالم زندگی اجتماعی منتقل شویم و یکی از آثار این شرایط عادی همین خواهد بود که

حزب ما مدارک و اسناد موثقی در دست دارد که ضدانقلاب معصم است در آستانه تهاجم گسترده خود به ایران. بین نیروهای انقلابی جو خصومت و درگیری بوجود می‌آورد. می‌بینیم که ضدانقلاب برنامه خود را با پیگیری دنبال میکند.

خفتی کردن توطئه ضدانقلاب تنها وابسته به ذرات، خردشناسی داری و خردمندی احزاب و گروههای سیاسی نیست. نهادهای دولتی نیز برای پایان دادن به هرج و مرجی که در زندگی اجتماعی ایران حکمفرماست، باید احساس مسئولیت کنند.

اگر توطئه‌گری ملاک عدم قانونیت برای فعالیت سازمانهای سیاسی است، و باید باشد حزب توده ایران نه تنها توطئه‌گر نیست، بلکه توطئه‌شکن است. فرد فرد اعضای حزب ما در هر کجا باشند، به پیروی از متی اصولی و انقلابی حزبشان، کشف توطئه‌های ضدانقلابی علیه جمهوری اسلامی ایران را از اهم وظایف خود محسوب میدارند. ضدانقلاب‌بازها تا کید کرده‌است که در دشمن اصلی دارد: هواداران صدیق امام و حزب توده ایران. و این بزرگترین افتخار تاریخی برای حزب ماست. نفرت‌و کینه حیوانی ضدانقلاب به حزب توده ایران نشانه وفاداری بی‌پایان آن به انقلاب شکوهمند ایران است. وفاداری ما به انقلاب و به جمهوری اسلامی ایران نیز از متی اصولی و انقلابی حزب ما سرچشمه می‌گیرد. ما معتقدیم که بدبختی و مصائب ایران و تمام جامعه بشری ناشی از نظام مستکرم سرمایه‌داری امپریالیستی است. اگر امپریالیسم، یعنی حکومت انحصارات بزرگ، که اقتصاد جهان سرمایه‌داری را در دست دارند و برای تأمین سود حداکثر بهر جنبش دست‌میزند، از صحنه زندگی اجتماعی جهان رانده شود، خلفه‌ها میتوانند در ظرف مدت کوتاهی با همکاری و همیاری یکدیگر به فقر و جهل، عقبه ماندگی و تمام مصائب دیگر که همه و همه ناشی از سلطه این رژیم اهریمنی است، پایان دهند.

امپریالیستهای امریکائی

بقیه از صفحه ۱
آمریکائی، که تابحال مدعی تلاش برای نجات جان گروگانها و «رعایت موازین بین‌المللی» بودند و توطئه‌های براندازی خویش را، با ادعای «دفاع از امری انسانی»، توجیه میکردند، بایزنگ خطر را بیش از پیش بمبادا درآورد.

امپریالیستهای امریکائی در این اعتراف صریح دیگر اصرار بر یوشانند چهره کریه و جنایتکار خود ندارند، و بهتر است گفته شود که، این کوشش را عیب می‌دانند. آنها در طیس قصد داشتند بر سر مردم انقلابی کشور ما باران بمب ببارند و در کودتای نافرجام ۱۸ تیر، نابود کردن حتی ۱۰ میلیون انسان را نیز برای دستیابی به هدف شوم خویش، پیش‌بینی کرده و ضرور شمرده بودند.

حتی هم‌اکنون نیز کمتر کسی است که در فضای آستین خطر، حاکم برجسته ما آمریکا و دست‌نشاندها گشتی برگردد کشور ما، بوی توطئه‌ای خطرناک و خونین‌تر را استشمام نکرده باشد. پس نهان کردن توطئه بی‌فایده است.

برعکس، اینک امپریالیستهای امریکائی با اعلام صریح قصد شوم خود، میکوشند تا مزدوران خویش را، که در انتظار «مستور عمل» بسر می‌برند، روحیه بخشند و در جبهه نیروهای انقلابی و مدافعین جان برکف جمهوری اسلامی ایران و نیز شولین آن، زهر ترس و نگرانی تزریق کنند و در آستانه این نبرد مرگ و زندگی، بر نیروهای مدافع انقلاب ایران، برتری روانی بیابند.

باید گفت با اینکه خوشبختانه نیروهای صدیق و مسئول جمهوری اسلامی ایران، عمق خطر را درک کرده‌اند، ولی متأسفانه روش صحیح مبارزه با این دشمن درنده و سازش‌ناپذیر را هنوز نمی‌شناسند، آنها در این لحظات خطیر و حساس حیات جمهوری اسلامی ایران، که امپریالیسم آمریکا مستشیر تجاوز بر سر انقلاب ایران بالا برده و دیگر تلاش برای کتمان کردن آنرا نیز بیکار نهاده‌است، هنوز به کمکش‌ها و درگیری‌های درونی مشغولند و یا همچنان سرز دستان دشمنان انقلاب ایران را تشخیص نمیدهند.

مسلم است که ادامه چنین وضعی آشکارا بسود امپریالیسم آمریکا تمام میشود، و اگر بازمه ادامه یابد، فاجعه آمیز است.

ما یاردیگر تاکید میکنیم: دشمن دیر یا زود به حمله دست خواهد زد و دیر یا زود شمشیر خونبار خود را بر بیکر انقلاب ایران فرود خواهد آورد. در مقابل دشمن باید صفتی متحد، یکدل و مجهز از نیروهای انقلابی و سیری نفوذناپذیر از نیروی مردم را قرار داد. تفرقه در صف متحد نیروهای خلق، بسود دشمن است.

ما بار دیگر تکرار می‌کنیم: باید بر تزلزل مزدوران امپریالیسم آمریکا را تعقیب، دستگیر و قلع و قمع کرد. باید با مستکبری قاطع بسود توده‌های زحمتکش آذربایه دفاع از انقلاب تنویق و ترغیب نمود. باید تبلیغات و اقدامات خصمانه علیه نیروهای انقلابی و مترقی را متوقف ساخت و جبهه‌ای از کلیه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی، بوجود آورد. باید کلیه فریادها را بر سر آمریکا کشید و تمامی اسلحها را بسوی آن متوجه ساخت. در انصورت انقلاب ایران از این مهلکه نیز سیلالت خواهد جست و با قدرت و سرعتی بیشتر به پیش خواهد رفت.

قطب زاده علیه...

بقیه از صفحه ۱
میکند، برای اینست که دستش از ذخایر ما کوتاه شده است و ترس اینرا دارد که دیگر این کوتاهی دست باقی بماند، از اینجست توطئه میکند.

امروز که ده ماه از آن تاریخ میگذرد، نکته‌ایکه در آن بیانات امام خمینی، بسی آموزنده و عبرت‌انگیز است، اینست: از زبان خود رهبر بنویزم و در آن تامل کنیم: «ریشه‌های فساد به فعالیت افتاده بودند تا ما دخالتی نکنیم و به جوانها بگوئیم که از اینجا بیرون بروند».

امروز ما همه با هم نمونه‌های این فعالیت ریشه‌های فساد را در عرض ده‌ماه دیده‌ایم و باید بخوبی متوجه باشیم که نامه قطب‌زاده به مجلس و مصاحبه‌ایکه در بالا ملاحظه کردیم، آخرین آن خواهد بود.

در همان مصاحبه تاریخی خود، امام خمینی تنها به پشتیبانی از عمل دانشجویان مسلمان بیرو خط امام اکتفا نکردند، بلکه با بیانی روشن، درستی این عمل انقلابی و علت پشتیبانی از آنرا توضیح دادند. رهبر انقلاب، به‌سزای آنکه نمونه‌های غارتگری و جنایت‌های رژیم شاه سابق را بر شمرند، بویژه تاکید کردند: «جوانهای ما توقع ندارند که دوباره کشورشان بحال سابق برگردد و همه چیزشان بید برونند».

در روز بعد امام خمینی، طی سخنانی که در مقابل گروهی از دانشجویان ایراد کردند، بار دیگر حمایت کامل خود را از تصرف لانه جاسوس آمریکا در ایران اعلام داشتند و متذکر شدند: «شما بدانید که الان مرکز فساد آمریکا را جوان‌های ما گرفته‌اند و آمریکائیها را هم که در آن لانه قید بودند، گرفته‌اند جوانان ما مطمئن باشند که آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند».

چند روز پس از آن، در سخنان تاریخی خود خطاب به نماینده پاپ، امام خمینی در مورد عمل دانشجویان مسلمان بیرو خط امام از جمله چنین گفتند: «اگر اینها يك مسائل سفارتي بود و مربوط به توطئه‌های بر ضد ملت ما نبوده‌است، محتاج به این عمل نبود. حالا که توطئه برای ملت ما ثابت شده‌است و عمل جوانان ما را تمام ملت و قشرهای آن، الاصلی منفرق در اینجا (بگذار قطب‌زاده بار دیگر بشنود!) و در سایر ممالک دیگر، از آن پشتیبانی کردند. این خواست تمام ملت بوده است، نه خواستی که از روی هوس نفسانی باشد. توطئه‌ها در اینجا بر ضد بشر و کشورهای اسلامی به‌خصوص بره ضد ایران است».

اما چنانکه رویدادهای مکرر روزانه نشان داده‌اند، «بعضی منفرقین» از قماش قطب‌زاده، تا بدانجا در این «انحراف» پیش‌رفته‌اند که در گفتار ۲ ساعته اخیر در کانال ۲ تلویزیون جمهوری اسلامی ایران (!)، نوشته روزنامه صبح آزادگان (۴/۶/۵۹): «این آقای وزیر جلال‌شاه، حتی

از امکان سقوط جمهوری اسلامی نیز سخن گفت و ناخودآگاه، ولی با اطمینان از آینده‌ای دیگر، غیر از آن آینده‌ای که مردم مستضعف ایران آرزوی آنرا دارند، یعنی آینده‌ای بیشتر مطابق با خواهاهایی که امپریالیست‌ها، دشمنان خوشبختی مردم مستضعفما دیده‌اند، سخن بیان آورد».

اوائل استفاده گذشته، امام خمینی، طی بیامی اقدام دلیرانه دانشجویان مسلمان بیرو خط امام را بار دیگر تایید کردند و از جمله متذکر شدند که: «دانشجویان مسلمان و مبارزین لانه جاسوسی را اشغال کرده‌اند با عمل انقلابی خوششان ضربه‌ای بزرگ بر بیکر امریکائی جهانخواه وارد نمودند و ملت را سرفراز کرده‌اند».

در بیامی که امام خمینی، در پی افشای توطئه پلوس و شکست متعصنانه آن انتشار دادند و همه مردم را به آمادگی و بسج همگانی برای مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا دعوت کردند، بار دیگر به شجاعت و دلوری دانشجویان مسلمان و مبارزین لانه جاسوسی اشاره کردند...

سخنان رهبر انقلاب و بیانگذار جمهوری اسلامی ایران در تایید و پشتیبانی عمل انقلابی دانشجویان مسلمان بیرو خط امام بسیار است. برایین اساس مردم می‌رسند: آیا خطمشی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، قطب‌زاده درست برخلاف خط امام نیست؟

بیتراز هرکس امام حل مسئله درگروگانها را به مجلس شورای اسلامی محول کردند، و مجلس شورای اسلامی بدستی تصمیم به محاکمه گروگانهای جاسوس گرفته و بتدارک مقدمات این محاکمه پرداخته است. اما باز صدای وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران قطب‌زاده بلند میشود که «چنین محاکماتی از هر نقطه نظری که به آن نگاه کنید، علیه مصالح ما است».

براین اساس مردم می‌رسند: آیا روش قطب‌زاده درست برخلاف رهتود امام نیست؟ «این وزیر جلال‌شاه حتی دولت در شرف تشکیل آقای رجائی را نیز صریحا تهدید میکند که اگر مانع محاکمه گروگانها نشود و مسئله گروگانها را حل نکند، در انصورت بی‌سجا نخواهد رسید!»

بدینسان برای قطب‌زاده (که بقول مجله «تایم» علیرغم انتقاد شدیدش از ایالات متحد آمریکا، عامل متدلی در داخل حکومت ایران است) «تایم» چه خوب فهمیده است! در زمانیکه امپریالیسم آمریکا تمام تیروی خارجی و داخلی خود را برای درهم شکستن انقلاب و سرنگون‌ساختن جمهوری اسلامی ایران بکارانداخته است، فقط این مسئله مطرح است که چگونه به آمریکا کمک کند تا جاسوسان خود را باز پس بگیرد، چگونه به آمریکا کمک کند جاسوسان آمریکائی - و در واقع امپریالیسم آمریکا - محاکمه نشوند!

و سرانجام مردم می‌رسند: آیا سیاست و روش قطب‌زاده، قیام آشکار علیه خط امام نیست؟

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

۴۰۰۰۰۰ ریال جمشید اتم
۱۰۰۰۰۰ ریال

آقای

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
دکتر نامه «مردم» فعلا در اشغال عناصر غیر مسئول است

NAMEH MARDOM
No. 319
28 August 1980

Price: West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A 40 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق